

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما میتونید با مراجعه به Google Play نرم افزار Skytravels و با مراجعه به App Store نرم افزار Skytravellers را دانلود نمایید.

020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



صفحه ۲ یادداشت روز

درهای بستهی مکاتب

دفتر هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) و صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) گزارش مشترکی زیر عنوان «تعلیم و تربیه و خدمات صحتی در معرض خطر» را به تازگی منتشر کرده است. این گزارش نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۵ به دلیل خشونت‌ها، ۳۶۹ باب مکاتب در مناطق مختلف کشور بسته شده که در نتیجهی آن ۱۳۹ هزار شاگرد و ۶۰۰ معلم متضرر شده‌اند. در بخش صحت، اضافه بر ۱۲۵ مرکز صحتی آسیب دیده است که ۲۰ تن از کارمندان صحتی کشته، ۴۳ تن زخمی و ۶۶ تن دیگر ربوده شده‌اند. این گزارش که از اول جنوری ۲۰۱۳ الی ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ را در بر می‌گیرد نشان می‌دهد که کودکان در افغانستان به صورت فزاینده در عرصه‌ی دسترسی به خدمات صحتی و تعلیمی با مشکلاتی مواجه هستند. این دو نهاد که در سال گذشته‌ی میلادی ۲۷۵ مورد خشونت را که بر کارمندان صحتی و تعلیمی تأثیر گذاشته مستند کرده است که ۱۲۸ مورد تهدید بوده است. این رقم نسبت به سال ۲۰۱۴، ۱۸۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

در حال حاضر نگاه غالب به جنگ و خشونت‌ها، آمار و ارقامی از هزینه‌های هنگفت مالی، تعداد تلفات ملکی و نظامی دوخته شده است و این که طرف‌های درگیر جنگ چه مقدار اراضی را در اختیار دارند، بررسی می‌شود. این ارزیابی از جنگ منطقی است اما ناقص و ناکافی می‌باشد. دامن جنگ فراخ است و حوزه‌های بی‌شماری را در جامعه متأثر می‌سازد و روند عادی زندگی را مختل می‌کند. بسته شدن ۳۶۹ مکتب در یک سال نمونه‌ی کوچکی از یک فاجعه‌ی بزرگ است که جنگ بر جامعه تحمیل کرده است. پیامدهای جنگ روی میزان بیکاری، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها...

در سال گذشته‌ی میلادی ۳۶۹ مکتب قسماً یا کاملاً مسدود شده است



صفحه ۲

سربازان زنده ماندند

اما هزینه‌ی تدفین خود را باید بازگردانند



صفحه ۴

اولین مرگ نورالحق زمانی اتفاق افتاد که پایگاه او در جنگی شدید در جنوب کشور، به طور کامل توسط طالبان نابود شد. صدها نفر از جنگجویان شورشی آن جا را ویران کرده بودند و تمام آن چه برای دولت باقی ماند، انتقال اجساد به خانه بود. همسر و ده فرزند او جسدش را به خاک سپردند، سنگی را بالای تپه‌ی روی قبر او در گورستانی در بهسود، شرق افغانستان، قرار دادند که به سرعت با اجساد دیگر سربازان پر شد. به آن‌ها نیز مانند دیگر خانواده‌ها ۲۳۰۰۰ دالر -مبلغی که به سختی حقوق یک سال یک سرباز است- از سوی دولت به عنوان غرامت پرداخته شد تا برای مراسم...

آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد

نکته‌یی در مورد یادداشت آقای علی امیری

بعد از این که یادداشت من در مورد کتاب «اسلام» به نشر رسید، جناب آقای علی امیری طی یک نصیحت‌نامه‌ی مفصل، واکنش سریع خودش را نشان داد. من این واکنش را نشانه‌ی از مسئولیت‌پذیری ایشان می‌دانم...



صفحه ۳

هشدار افغان‌ها:

طالبان بر شهر قندوز حمله می‌کنند

ملی‌شده‌های طالبان روز جمعه بر چندین ولسوالی اطراف شهر شمالی قندوز حمله کردند، شهری که سال گذشته برای مدت کوتاهی به دست آن‌ها افتاد. اما با وجودی که مقام‌های افغان گفتند نیروهای امنیتی این حمله را موفقانه عقب زده‌اند، باشندگان هشدار دادند که شورشیان دوباره به دروازه‌های شهر رسیده‌اند. حمله‌ی روز جمعه نخستین فشار جدی طالبان پس از آن بود که این گروه هفته‌ی گذشته رسماً عملیات سالانه‌ی شان را آغاز کردند. اما در حقیقت حملات ستیزه‌جویان...



صفحه ۳

اشرف مخلوقات

قتل «ستایش»، دختر شش‌ساله‌ی افغان، در تهران اندوه و خشم و ملامت و قضاوت و تعصب و مفاهیم دیگر در زبان آدمی را به سطح آورد. آن جوانی که ستایش را به آن گونه‌ی فجیع کشت، به سختی مورد نکوهش و نفرت قرار گرفت. آنانی که آن جنایت را محکوم نکردند و یا دیر محکوم کردند، ملامت شدند. مردم بر دولت‌های ایران و افغانستان نفرین فرستادند که برای اجرای عدالت جنب‌وجوشی از خود نشان ندادند. همه‌ی این‌ها به خاطر این است که اشرف مخلوقات، یعنی انسان، باید بهتر از این باشد. اسپ و گوزن و خرگوش و نهنگ و کفتار و کبوتر و پلنگ مفهومی به نام «اشرف مخلوقات» ندارند. ما آدم‌ها، بدون در میان گذاشتن این لقب پر افتخار با دیگر حیوانات، خودمان نشستیم و چنین لقبی برای خود تراشیده‌ایم و حالا به جد معتقدیم که واقعاً هم اشرف مخلوقات ایم.

این اشرف مخلوقات البته سیاه‌کاری‌هایش پایانی ندارد...

جابه‌جایی جمعیت در افغانستان

(مهاجرت و عودت افغان‌ها در سال ۲۰۱۵ و ربع اول سال ۲۰۱۶)

بر اساس آمار سازمان ملل



صفحه ۵

سال ۲۰۱۵ میلادی، تحرکات و جابه‌جایی‌های گسترده‌ی جمعیتی در کشور اتفاق افتاد. این جابه‌جایی‌ها به اشکال مختلف از جمله خروج بی‌رویه‌ی افغان‌ها به مقصد اروپا، جابه‌جایی‌های داخلی و عودت مهاجران صورت گرفته است. جابه‌جایی جمعیتی در سال گذشته، دست کم در یک‌ونیم دهه‌ی اخیر بی‌سابقه بود. هزاران نفر در این جابه‌جایی‌ها خانه و کاشانه‌ی خود را از دست دادند، صدها نفر در آب‌های ترکیه و یونان جان باختند و میلیون‌ها دالر از کشور خارج شده و به دست قاچاقبران انسان قرار گرفتند. از همه مهم‌تر موج مهاجرتی که در سال گذشته...



سیمثونه: باید ببریم و ببریم و ببریم ۱۷۱



پیکه: مطمئنم قهرمان لالیگا خواهیم شد ۱۷۱

	
اطلاعات روز	
	
شنبه	
۳۱ حمل	
۱۳۹۵	
سال پنجم	
شماره ۱۰۴۹	
	

یادداشت روز

در های بستهی مکاتب

✍ جواد ناجی

دفتر هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) و صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) گزارش مشترکی زیر عنوان «تعلیم و تربیه و خدمات صحتی در معرض خطر» را به‌تازگی منتشر کرده است. این گزارش نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۵ به‌دلیل خشونت‌ها، ۳۶۹ باب مکتب در مناطق مختلف کشور بسته شده که در نتیجه‌ی آن ۱۳۹ هزار شاگرد و ۶۰۰ معلم متضرر شده‌اند. در بخش صحت، اضافه بر ۱۲۵ مرکز صحتی آسیب دیده است که ۲۰ تن از کارمندان صحتی کشته، ۴۳ تن زخمی و ۶۶ تن دیگر رپوده شده‌اند. این گزارش که از اول جنوری ۲۰۱۳ الی ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ را در بر می‌گیرد نشان می‌دهد که کودکان در افغانستان به‌صورت فزاینده در عرصه‌ی دسترسی به خدمات صحتی و تعلیمی با مشکلاتی مواجه هستند. این دو نهاد که در سال گذشته‌ی میلادی ۲۷۵ مورد خشونت را که بر کارمندان صحتی و تعلیمی تأثیر گذاشته مستند کرده است که ۱۳۸ مورد تهدید بوده است. این رقم نسبت به سال ۲۰۱۴، ۱۸۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

در حال‌حاضر نگاه غالب به جنگ و خشونت‌ها، آمار و ارقامی از هزینه‌های هنگفت مالی، تعداد تلفات ملکی و نظامی دوخته شده است و این که طرف‌های درگیر جنگ چه مقدار اراضی را در اختیار دارند، بررسی می‌شود. این ارزیابی از جنگ منطقی است اما ناقص و ناکافی می‌باشد. دامن جنگ فراخ است و حوزه‌های بی‌شماری را در جامعه متأثر می‌سازد و روند عادی زندگی را مختل می‌کند. بسته شدن ۳۶۹ مکتب در یک سال نمونه‌ی کوچک از یک فاجعه‌ی بزرگ است که جنگ بر جامعه تحمیل کرده است. پیامدهای جنگ روی میزان بیکاری، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، وضعیت بی‌رمق بازار، موج‌های مهاجرت، فرار سرمایه، توقف عرضه‌ی خدمات، خشونت‌های خانوادگی و چگونگی وضعیت روانی شهروندان در نظر گرفته نمی‌شود. حاصل جنگ برای جامعه وسیع‌تر و عمیق‌تر از آن‌چه اکنون در رسانه‌ها گزارش می‌شود هست.

این که مردم چه زمانی از وضعیت اسفناک، درماندگی، خشونت و جنگ رهایی و نجات پیدا می‌کنند نامعلوم است. انسان این سرزمین در جنگ زاده می‌شود، با بدبختی و رنج‌های بی‌شمار بزرگ می‌شود و در جنگ می‌میرد. تا بوده تقدیر همین بوده و سرنوشت انسان این مرزوبوم با همین مسایل گره خورده است. ظاهراً راه کوتاهی برای عبور از مصیب کونی دیده نمی‌شود.

حکومت و کارگزاران امور که مسئولیت اصلی را به‌عهده دارند و مأمور تنظیم نظم، حفاظت از جان و مال مردم می‌باشند، غایب‌اند. آن‌هایی که امروز یا دیروز مسئولیت جامعه، تأمین امنیت، رفاه و عرضه‌ی خدمات را به‌عهده داشتند خودشان از سرآمدن و مسیبان فجاجع هستند. نهادهای اصلی که بایستی قانون بسازند، آن را تطبیق بکنند و پاسانان خاک و جان مردم باشند تبدیل شدند به غول‌های قانون‌شکن، مافیای فساد و تریاک و جنگ.

حکومت وحدت ملی، سلف آن و کشورهای کمک‌کننده و دخیل در قضایای جاری که قرار بود به این غایله پایان دهد به درد سر اصلی مردم تبدیل شده‌اند. نوپدهای فراوان از جانب حکومت برای برقراری صلح به مردم داده شد، و گفت‌وگوهای صلح با مخالفین مسلح که یکی از اهداف اصلی حکومت برای پایان دادن به جنگ بود در حال حاضر به بن‌بست خورده است. گفت‌وگوهای صلح که از سوی حکومت طرح و تدوین و دنبال شد به‌رغم انتظار و توقع زیاد هیچ‌گاهی با مردم در میان گذاشته نشد. به‌میزانی که گفت‌وگوهای صلح مخفیانه و جدی‌تر شد شک و تردیده‌های مردم هم از این روند افزایش پیدا کرد. با آن‌که روند گفت‌وگوهای صلح از برنامه‌های اولیه‌ی حکومت تعریف شد اما سران حکومت آنقدر درگیر کسب قدرت، تسلط بر منابع ثروت و تقسیم آن میان خویشاوندان خود شدند که هدف اصلی که تأمین امنیت بود به حاشیه رانده شد.

در سال گذشته‌ی میلادی ۳۶۹ مکتب قسماً یا کاملاً مسدود شده است

دسترسی به تعلیم تربیه و کارمندان تعلیمی را متأثر کرده، ثبت شده که نشان می‌دهد ۱۱ کارمند تعلیمی کشته، ۱۵ تن زخمی، و ۴۹ نفر دیگر رپوده شده‌اند. این گونه خشونت‌ها نسبت به سال ۲۰۱۴ افزایش فزاینده‌یی را نشان می‌دهد.

براساس این گزارش، اعمال تهدیدها شامل، تهدید به مرگ، حمله بر کارمندان صحتی و تعلیمی، بستن مکاتب به زور، نامه‌هایی که رفتن به مکاتب به‌ویژه برای دختران را ممنوع قرار داده، غضب و دیگر اعمال ضراًآمیز می‌باشد.

این دو نهاد می‌گوید که یافته‌های این گزارش عمیقاً نگران‌کننده است. نیکولاس هیسم، فرستاده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل متحد برای افغانستان گفته است: «تمام طرف‌های درگیر منازعات مسلحانه باید برای مصئونیت خدمات صحتی و تعلیمی اقدامات لازم و مؤثر اتخاذ نمایند.»

این گزارش همچنان به‌صورت مشخص بر آسیب‌پذیری دختران روشنی انداخته که حملات، تهدیدات، ممانعت‌های آشکار دسترسی آنان را به تعلیم محدود کرده است.

دانیل بل، رییس بخش حقوق بشر یوناما گفته است: «خشونت‌های برخاسته از جنگ نه‌تنها اطفال افغان را در معرض خطر قرار می‌دهد، بلکه آن‌ها را از حقوق اساسی‌شان که دسترسی به تعلیم و تربیه و صحت است، محروم می‌سازد.»

در گزارش آمده که برای معلمان و داکتران، و نرس‌ها غیرقابل قبول است که مورد تهدید و خشونت قرار بگیرند و تسهیلات مکاتب و خدمات صحتی مورد سوءاستفاده و یا حمله قرار گیرند.

وزیر داخله:

کشورهای همسایه به نام اسلام در افغانستان می‌جنگند

نیروهای مرزی با روحیه‌ی عالی وطن دوستی‌یی که دارند، از ورود عناصر مختل‌کننده‌ی امنیت به کشور جلوگیری می‌کنند.

از سوی هم وزیر داخله به طالبان و دیگر گروه‌های هراس‌افکن هشدار داد که نابود خواهند شد و به نیروهای دولتی دستور می‌دهد که دفاع از کشور فرض است و در هیچ بخشی از کشور به هراس‌افگنان رحم نکنند.

خارجی خواندن عامل جنگ افغانستان و ستایش از عملکرد نیروهای امنیتی در حالی‌ست که در حال حاضر نیروهای امنیتی کشور در شماری از ولایت‌های شمالی و جنوب‌شرقی روزهای سختی را پشت سر می‌گذرانند. نیروهای امنیتی عملاً در چندین جبهه با گروه‌های تروریستی در حال جنگ‌اند که شماری از فرماندهان این گروه‌ها از کشورهای دیگر وارد افغانستان شده‌اند.

طالبان در ۲۴ ساعت گذشته در ولایت‌های شمالی

۸۰ کشته و ۹۸ زخمی داده‌اند

و مرکز قندوز ۶۷ طالب کشته و ۵۹ تن دیگر زخمی شده‌اند.

همچنان در درگیری در ولسوالی گرزویان ولایت فاریاب، ۱۱ طالب کشته ۲۹تن دیگر زخمی شده‌اند.
خبرنامه افزوده که در ولسوالی آقچه‌ی ولایت جوزجان و ساحات دندغوری و دند شهاب‌الدین ولایت بغلان ۷تن از شورشیان کشته و ۵تن دیگر زخمی شده‌اند.
خبرنامه اما در مورد جزئیات درگیری و تلفات نیروهای امنیتی در این ولایات معلومات نداده است.
ناآرامی‌ها در ولایت‌های شمالی به‌ویژه قندوز باعث بی‌جا شدن صدها خانواده شده است و نگرانی‌های جدی را نیز به دنبال داشته است. مقام‌های امنیتی اما می‌گویند که حملات طالبان برای سقوط قندوز عقب زده شده و این گروه از سوی نیروهای امنیتی تلفات سنگینی را متقبل شده‌است.

۳۸ پروژه‌ی انکشافی در ولایت غور به بهره‌برداری سپرده شد

بندهای برق آبی کوچک، مراکز اجتماعی، معبر سطحی، دیوارهای محافظوری، تمدید شبکه‌های آب‌رسانی، احداث و جغل‌اندازی سرک روستایی می‌باشد که از مزایای این پروژه‌ها حدود ۴۴۹۹ خانواده مستفید خواهند شد.

منبع افزوده است که برنامه‌ی همبستگی ملی از شروع فعالیت‌هایش تا‌به‌حال در ولایت غور بیش از ۲ میلیارد و ۸۷۸ میلیون افغانی را در تطبیق ۳۵۹۹ پروژه‌های عام‌المنفعه به مصرف رسانده است.

۱۲ جنگجوی طالب

در ولسوالی درقد تخار

کشته شدند

اطلاعات روز: وزارت داخله می‌گوید که شب گذشته در نتیجه‌ی درگیری نیروهای پولیس ملی با تروریستان طالب در ولسوالی درقد ولایت تخار، ۱۲ طالب کشته و ۳۶ تن دیگر زخمی شدند.

وزارت داخله در خبرنامه‌یی نوشته است شب گذشته دو حمله‌ی هراس‌افگنان طالب در ولسوالی درقد تخار و ولسوالی فیض‌آباد ولایت جوزجان سرکوب شده است.

به گفته‌ی وزارت داخله، درگیری شب گذشته در ولسوالی درقد زمانی به‌وقوع پیوست که گروهی از دهشت‌افگان بر پاسگاه‌های نیروهای امنیتی حمله کرده بودند که طالبان با دادن ۱۲ کشته و ۳۶ زخمی به‌شدت سرکوب شدند. در این درگیری یک سرباز پولیس شهید و شش سرباز دیگر زخمی شده‌اند.

خبرنامه افزوده که در یک ضد حمله‌ی نیروهای پولیس ملی در ولسوالی فیض‌آباد ولایت جوزجان، پنج هراس‌افگن کشته شده و اجساد آنان با شماری جنگ‌افزار در محل نبرد باقی مانده است. در این درگیری به نیروهای پولیس ملی و غیرنظامیان آسیب نرسیده است.

«مرکز ابتکار در کسب‌وکار»

اداره‌ی آيسا گشایش یافت

اطلاعات روز: اداره‌ی حمایت از سرمایه‌گذاری افغانستان (آيسا) روز دوشنبه یک اداره‌ی جدید زیر نام «مرکز ابتکار در کسب‌وکار» را به‌هدف معرفی برنامه‌ها و پشتیبانی از ایده‌های ابتکاری برای سرمایه‌گذاری در سکتورهای مختلف گشایش داد.

اداره‌ی آيسا در خبرنامه‌یی نوشته است که این مرکز با پرورش ایده‌های خلاق، برنامه‌های ابتکاری موفق آن‌ها را پس از ثبت جهت سرمایه‌گذاری‌های تازه در دسترس متشئین و سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد.

قربان حقجو، رییس آيسا هنگام گشایش این مرکز گفته است: «این مرکز از یک‌سو با پشتیبانی و پرورش ایده‌های خلاق، ابتکارات آن‌ها را به سرمایه‌گذاران معرفی می‌کند و از جانبی هم سرمایه‌گذاران را تشویق می‌کند تا در زمینه‌ی اختراعات موفق که افغانستان می‌تواند بازار خوبی برای آن باشد، سرمایه‌گذاری نمایند»

حقجو افزوده، این مرکز متعهد است تا این روند را به‌گونه‌ی اساسی مدیریت نموده و در جذب ابتکارات خلاق و طرح‌های تجاری با علاقمندان همکاری همه‌جانبه کند.

رییس آيسا گفته است: «این مرکز از یک‌سو توانمندی رقابت تولیدات کشور را با تولیدات همسایه بلند می‌برد و از سوی هم با استفاده از ایده‌های خلاق در تولید، کالاهای تازه در بازار عرضه می‌گردد که در نهایت میزان تولیدات داخلی بلند رفته و نرخ بیکاری نیز کاهش خواهد یافت.»

حقجو از سکتور خصوصی کشور خواسته است تا اداره‌ی آيسا را در این راستا همکاری کند.

از سوی هم آذرخش حافظی، رییس روابط بین‌الملل اتاق تجارت و صنایع کشور هنگام گشایش این مرکز گفته است تاکنون جای چنین مرکزی در کشور خالی بوده است.

رییس اتاق‌های تجارت:

زعفران هرات به‌نام کشورهای

همسایه به بازارهای جهانی

عرضه می‌شود

اطلاعات روز: عتیق‌الله نصرت، رییس اتاق‌های تجارت و صنایع کشور می‌گوید به‌دلیل نبود دستگاه تشخیص و استاندارد براساس معیارهای جهانی، زعفران ولایت هرات به کشورهای همسایه پروسس می‌شود و آنان آن‌را در بازارهای جهانی به نام خود عرضه می‌کنند. آقای نصرت این گفته‌ها را روز دوشنبه در جلسه‌ی کمیته‌ی اقتصادی شورای وزیران مطرح کرده است.

عبدالله‌عبدالله، رییس اجراییه در این جلسه گفته است نُرَم و استاندارد براساس معیارهای جهانی برای کالاهای صادراتی افغانستان یک نیاز ضروری است.

آقای عبدالله گفته است وزارت مالیه با اداره‌ی ملی نرم و استاندارد مکلف‌اند روی این معیارها کار کنند تا قانون فعلی این اداره تعدیل شود.

هرات یکی از ولایت‌هایی است که در آن زعفران کشت می‌شود. درآمد خوب دهقانان از فروش محصولات زعفران، سبب شده است تا زمین‌های بیشتری برای کشت این گیاه اختصاص داده شود.

براساس آماري که در سال ۱۳۹۳ آمر امور زراعت ولایت هرات ارائه کرده بود، ۷۵۰ هکتار زمین در این ولایت زعفران کشت می‌شود. از زعفران به‌عنوان طلای زراعتی یاد می‌کنند. گفته می‌شود هر کیلو زعفران در هرات در حدود ۸۰ تا ۹۰ هزار افغانی به فروش می‌رسد. در بازارهای بین‌المللی نیز زعفران هرات هر کیلو به دو هزار دالر به فروش می‌رسد.

علاوه بر ولایت هرات، غزنی نیز برای کشت زعفران مساعد تشخیص داده شده است. به‌جز برخی از مناطق ولسوالی‌های مالستان و ناور که آب و هوای سرد دارند، در بقیه ولسوالی‌های غزنی امکانات کشت زعفران وجود دارد.

آفرین بر نظر پاک خطاپوشی باد

نکته‌ی در مورد یادداشت آقای علی امیری

کلمه عمران راتب

بعد از این که یادداشت من در مورد کتاب «اسلام» به نشر رسید، جناب آقای علی امیری طی یک نصیحت‌نامه‌ی مفصل، واکنش سریع خودش را نشان داد. من این واکنش را نشانه‌ی از مسئولیت‌پذیری ایشان می‌دانم، اما اگر در فرآیند این کنش و واکنش‌ها آنطور که ایشان فرموده، نه امکانی برای ایجاد گفت‌وگوها، بلکه خبر از کدر شدن اوضاع باشد، چه بهتر که این مسئولیت را نپذیریم. در ضمن، این را هم آموختم که در زمانه‌ی که همه‌چیز را ناراستی فرولبعیده و «خرد» انتقادی به تمسخر گراییده، نقد حرف مفت و «شلیک بی‌هدف» می‌شود و تعریض بر مکتوب حمله بر تعرض بر کاتب (به پاراگراف نخست یادداشت امیری توجه کنید). این جاست که به نصیحت‌های اخلاقی پرتیر آقای امیری ضرورت می‌افتد (ممنون از ایشان) و من برای این که این پندنامه‌ها و نصیحت‌ها را نادیده نگرفته باشم، بیشتر از این «بددهنی و بی‌ادبی» نکرده (من هم بالاخره خودم را جزئی از همین «نسل جوان و ناجوان» می‌دانم، به اشاره‌ی بر یکی-دو نکته اکتفا می‌کنم و دامن بحث را بر می‌چینم.

یک: جناب امیری، استاد محترم، من واضح و صریح در آغاز یادداشتم نوشته بودم که بعد از گذشت چیزی کم یک‌سال، «حالا که من این کوتاهه را می‌نویسم، بنا را بر این گذارده‌ام که خواننده‌ی این متن، آن کتاب را نیز خوانده است تا ناگزیر نباشم متن را با بازگویی بی‌همه‌نمونه‌ها، طولانی بسازم.» و بعد آن‌جا که ناگزیر شده‌ام، نمونه نیز آورده‌ام. دیگر من لزومی به کاپی کل کتاب در یک یادداشت ندیدم و نمی‌بینم. اما مثل این که جناب‌شان فراموش کرده بوده به این قسمت از متن لطف توجه نمایند. دلیل این موضوع را چه بدانم؟ عدم اهمیتش، فراموشی یا نمی‌دانم چیز دیگری که می‌توانست ابزار تاختن بر بقیه‌ی متن را برای استاد فراهم سازد؟

دو: در خصوص این که گفته‌ام منحنی زوال عقلانیت در جهان اسلام را قبل از امیری کسان دیگری از جمله ارکون نشان داده است، استاد امیری نوشته است: «... آرکون این کار را در کجا انجام داده است؟ صورت‌بندی آرکون چیست و کدام است؟» من نمی‌دانم چرا قسمت‌های اصلی حرف من همیشه در سمت فراموشی چشم استاد امیری قرار می‌گیرد. من به کتاب مشخص ارکون در این زمینه ارجاع داده‌ام و نیز چندین بار از یکی از گفت‌وگوهای ارکون نقل کرده‌ام. آری، ارکون این کار را انجام داده است، با این تفاوت که تحلیل مبتنی بر واقعیت‌های جامعه است. خوب است در زمینه‌ی که استاد امیری آن را یکی از اکتشافات محیرالعقول خودش می‌داند، به حرف ارکون توجه کنیم که در پیوند با «آغاز دوره‌ی تاریخی تبحر و ورود به دوره‌ی طولانی انحطاط در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم میلادی» و بعد هم رویارویی غزالی با ابن رشد، می‌نویسد: «درخور یادآوری است که کسی که در این کارزار بیشترین زیان را متحمل شد، ابن رشد نبود؛ بلکه جوامع اسلامی بودند که حتا تا امروز بهای این شکست فکری را می‌پردازند. با آن‌هم تنها نمی‌توان غزالی را مسئول این فاجعه‌ی خردسوز که سراسر دنیای اسلام را فراگرفت، قلمداد کرد. در واقع حرکت قهقرایی و سیر انحطاط پیش از غزالی آغاز شده بود و تنها کاری که غزالی کرد این بود که بر این موج سوار گردید و ضمن پذیرش مأموریت رسمی از جانب سلجوقیان، با زیرکی تمام برای این فرآیند نظریه‌پردازی کرد. (پدیده‌ی فلسفه‌ستیزی و دشمنی با رهیافت‌های عقلانی پیش از غزالی آغاز شده بود. این پدیده به «ابن بطه» و تدوین «عقیده‌ی قادی»، که خلیفه آن را در حضور همگان قرائت کرد و بدان اقرار داشت، و نیز به متون دیگر باز می‌گردد)» (گفت‌وگو، ص ۲). و بعد توضیح می‌دهد که ساختار جامعه و «بسترهای اجتماعی معرفت» چگونه سیر این انحطاط را رقم زد. آقای امیری اما دوست دارد این مسأله رازورانه جلوه بدهد: «پرسش اصلی این



است که این انحطاط از کجا آغاز شده است و دلیل آن چیست؟ شاید نتوان دلیل انحطاط اسلام را، هم به‌عنوان یک دین و هم به‌حیث یک فرهنگ و نظم اجتماعی، به‌درستی توضیح داد» (اسلام، ص ۲۸۱).

حالا دیگر من مسئول «بدخوانی» جناب امیری نیستم که چرا به این موارد توجه نمی‌کند. ایشان در یادداشت‌شان گفته‌اند که من کتاب را حتا «سرسری» هم نخوانده‌ام، اما می‌بینم که جناب‌عالی هم با یادداشت من همان کار را کرده‌اند؛ توبه فرموده‌اند و خود به آن عمل نکرده‌اند.

سه: استاد امیری کتاب را به کنار گذاشته، برای این که «جهل» مرا نشان داده باشد، مشکلی ندارد از این که متن یادداشت مرا ناقص نقل نموده و بعد با آن قسمت غلط‌انداز باقی‌مانده، زمینه‌ی تأیید را فراهم نماید. امیری بزرگوار نوشته است: «آقای راتب نوشته است: «دوای کدام درد ما خواهد شد این شناختن؟» و حالا که با این دیالوگ‌نمای خیالی سکو را جهت پرش آماده کرده، خودش را در مقام سقراط می‌یابد: «جواب من یک کلمه است: دوای درد جهل.»

استاد گرامی، یعنی بازهم فراموشی؟ مشکلی نیست. آدم است دیگر! من همان قسمتی را که شما این جمله را از وسطش بیرون کشیده‌اید، یعنی جمله‌ی قبل و بعد از آن را نیز این‌جا می‌آورم تا محک تجربه آید به‌دست: «حالا حرف این نیست که ما گویا ضرورتی به شناختن مقام فارابی یا دیگر اندیشه‌ورزان در فلسفه‌ی اسلامی نداریم، حرف این است که این شناختن صرف مقام، چه فوریت و موضوعیتی برای زندگی امروز ما دارد. در یک کلام: دوای کدام درد ما خواهد شد این شناختن؟ شاید حتا بتوانیم با شناختن «مقام فارابی» در فلسفه‌ی اسلامی، نسبت بهتر و روشن‌تری هم با زندگی و اندیشه‌ی اسلام امروزی ایجاد بکنیم، اما بهتر نبود نویسنده گذشته از گلاویه، وجهی این ضرورت را تبیین می‌کرد؟ یعنی تنها گزارش بدون مسأله، به‌باور من نمی‌تواند گره از مشکلات فروبسته‌ی دنیای امروز اسلام (یا زندگی ما در هر صورتش) بگشاید.» حالا استاد گرامی لطف نموده، نشان بدهد که من در کجا گفته‌ام ضرورتی به شناختن مقام فارابی نداریم؟ و یا این شناخت برای ما فوریت ندارد؟ من روشن و واضح پرسیده‌ام که گذشته از گلاویه، وجهی این ضرورت چیست و چرا نباید آن را تبیین می‌کرد؟ برای همین هم بود که به کتاب «از سنت بلخ تا مدرنیت پاریس» استاد جسته‌ام تا ضرورت شناخت فارابی را در نسبتش با امروز ما یادآور شده باشم... با نقص سخن، می‌خواهد جهل حریف را ثابت کند. من که نمی‌دانم، «جاهلم». ولی این

نقص از شأن شما به‌دور است استاد علی امیری. شما استاد هستید و ده‌ها جوان این شهر چشم به دهن شما دوخته‌اند. بهتر بود می‌گفتم جناب استاد در آوردن نقل، این قسمت را فراموش کرده است. چه فراموشی بدی!

چهار: جناب علی امیری، استاد نهایت گرامی، من نه جرأت آن را دارم و نه هم این «بی‌ادبی» ام آن اجازه را به من می‌دهد که آن حرف مورد علاقه‌ی شما را - که دو سال قبل در مورد کتاب دای‌فولادی استفاده کردید - در مورد «اسلام» به‌کار ببرم و بگویم این «کتابچه‌ی خنرپیزی»، اما تکرار می‌کنم: کتاب اسلام نه حرف تازه‌ی دارد و نه هم گره از مشکلات فروبسته‌ی امروز ما می‌گشاید. شما کاروان این «اسلام» را بی‌غل‌وغش از گوشه‌ی شهری عبور داده‌اید که در مرکز و بر سر چهارراهی‌های آن حلاج‌ها بر دار می‌روند، سلاخی شده و بعد از سوزاندن شدن خاکسترشان به دریا افکنده می‌شود (نگاه کنید به ص ۱۷۱)، سهروردی‌ها در کنج زندان می‌خشکند (صص ۲۴۳-۲۴۱)، عین‌القضات‌ها شبانه بر دار می‌شوند و ده‌ها نمونه از این دست که در قلمرو و به‌نام همین اسلام بر سرنوشت انسان‌ها رفته. حرف این نیست که فقط از آن‌ها نام ببریم و گزارش دهیم که آن‌ها در تنهایی خود چه کردند، این مشکلی را حل نمی‌کند. واقعیت‌های تعیین‌کننده‌ی جامعه از این‌جا بر می‌خیزند که به‌عنوان یک انسان، با آن‌ها چه شد. این مطالعه‌ی موردی نیست، متن جامعه است و واقعیت اسلام. شما در «اسلام» تان اگر از این‌ها نگویید، پس با معذرت، ما در قوطی کدام عطار و خریطه‌ی حکیم‌جی دنبال مصداقش بگردیم؟ این «بی‌ادبی» ما را هم بیخشد؛ با تأسف که «اسلام»، ربط و راهی به اسلامی که تاریخ در خود دیده و ما آن را تجربه می‌کنیم، ندارد. شما خیلی خیلی از سر لطف به تاریخ اسلام دیده‌اید و به‌قول شاعر شیراز نظر خطاپوش بر کنج و زاویه‌های اسلام عزیز انداخته‌اید، اما این نسخه‌ی آرایش شده و «لالگ پوست‌کده» فاصله‌ی زیادی دارد با واقعیت‌های جامعه. اسلام که محدود به فارابی و ابن سینا و هم‌سختان کتابخانه‌اش نمی‌شود.

پنج و سخن آخر: همه دوست دارند از نبرد پیروزمندان به قصر بازگردند، اما گاهی بدن نیست به پاشنه‌ی آشیل خود هم نظری اندازیم. وانگهی هیچ تضمینی وجود ندارد که هر حرفی که دیگران گفت «بددهنی و بی‌ادبی» باشد (حتماً باید بی‌ادبی کند؟) و حرف‌های شما یک‌سره گل کاری و درفشانی. برای تان سلامتی و موفقیت آرزو می‌کنم آقای امیری. روز و روزگارتان خوش.

هشدار افغان‌ها:

طالبان بر شهر قندوز حمله می‌کنند

منبع: نیویارک تایمز/نجیم رحیم و مجیب مشعل
برگردان: حمید مهدوی

ملیسه‌های طالبان روز جمعه بر چندین ولسوالی اطراف شهر شمالی قندوز حمله کردند، شهری که سال گذشته برای مدت کوتاهی به‌دست آن‌ها افتاد. اما با وجودی که مقام‌های افغان گفتند نیروهای امنیتی این حمله را موفقانه عقب زده‌اند، باشندگان هشدار دادند که شورشیان دوباره به دروازه‌های شهر رسیده‌اند. حمله‌ی روز جمعه نخستین فشار جدی طالبان پس از آن بود که این گروه هفته‌ی گذشته رسماً عملیات سالانه‌ی‌شان را آغاز کردند. اما در حقیقت حملات ستیزه‌جویان و دستاوردهای آن‌ها در میدان نبرد، در طول زمستان با سنگینی ادامه یافت.

درگیری‌های شدید در چندین ولسوالی قندوز تا اواخر روز جمعه ادامه یافت و یک شاهراه حیاتی که قندوز را به ولایت تخار وصل می‌کند، مسدود باقی ماند. هواپیماهای ارتش بی‌وقفه بر فراز شهر قندوز پرواز کردند؛ شهری که در جریان روز عمدتاً خالی از سکنه بود و حملات هوایی در حومه‌هایی که نقطه‌ی آغاز تصرف سال گذشته‌ی قندوز توسط شورشیان بود، گزارش شد. امرالدین ولی، عضو شورای ولایتی [قندوز] گفت: «امشب برای قندوز شب دشواری خواهد بود.» «دوباره احتمال سقوط شهر وجود دارد».

همچنین مقام‌های امنیتی محلی گفتند که نیروهای عملیات ویژه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا در قندوز در برنامه‌ریزی عملیات‌های‌شان به آن‌ها کمک کردند. اما اندازه‌ی این کمک و این که این کمک تا کجای خارج شهر قندوز رسید، مشخص نیست.

جنرال چارلس کلیولند، سخن‌گوی نیروهای ناتو در افغانستان تأیید کرد که مشاوران نظامی امریکا در حد آموزش و «در برخی موارد، در حد تاکتیکی» در شمال دخیل بوده‌اند. اما او گفت که در حال حاضر، هیچ نیروی اضافی ایالات متحده به‌دلیل جنگ به قندوز نرفته است. جنرال محمد قسیم جنگل‌باغ، فرمانده پولیس این ولایت گفت که طالبان بامداد روز جمعه هنگامی که تلاش می‌کردند به‌طرف شهر پیش‌روی کنند، حد اقل بر شش ولسوالی حمله کردند. این جنرال گفت که ستیزه‌جویان عقب زده شده‌اند و نیروهای کمکی به این ولسوالی‌ها اعزام شده‌اند. اما مقام‌های محلی و بزرگان حکومت را مورد انتقاد قرار دادند و گفتند که اقدامات واقعی کمتری برای جلوگیری از سقوط شهر مانند سال گذشته روی دست گرفته شده است.

پس از آن که حکومت در ماه سپتامبر سال گذشته تسلط سه روزه‌ی طالبان بر این شهر را شکست، ستیزه‌جویان به ولسوالی‌های اطراف شهر برگشتند. مقام‌ها گفتند که در برخی موارد طالبان توانستند پایگاه‌های‌شان در آن‌جا را با اسلحه و تجهیزاتاتی که از پایگاه‌های ارتش در شهر چپاول کرده بودند، تقویت کنند.

ولی گفت: «حرف زیاد گفته می‌شود، اما اقدامی صورت نمی‌گیرد.» «اگر اقدامی روی دست گرفته می‌شود، وضعیت دوباره این‌طوری نمی‌شود. مشکل این است که ارتش، در سطح قول اردوها توانایی‌هایی دارد، اما وقتی بر پولیس حمله می‌شود آن‌ها به کمک پولیس نمی‌آیند. وحدت فرماندهی وجود ندارد.»

حملات روز جمعه به‌صورت همزمان در چندین ولسوالی راه‌اندازی شدند. در حالی که جنرال جنگل‌باغ گزارش داد که طالبان تلفات سنگینی را متحمل شده‌اند، مقام‌ها و بزرگان محل در ولسوالی خان‌آباد گفتند که حد اقل ۳۰ ملیشه که برای حکومت می‌جنگیدند توسط شورشیان اسیر گرفته شده‌اند.

امان‌الدین قریشی، ولسوال ولسوالی امام صاحب گفت که جنگ در این ولسوالی تمام روز ادامه یافت. او گفت که جنگجویان طالبان نیمه‌شب در این ولسوالی رخنه کرده و در حدود ساعت ۵ صبح حمله بر پسته‌های امنیتی در سه منطقه‌ی این ولسوالی را آغاز کردند. به‌قول گل‌احمد، یک فرمانده محلی پولیس، طالبان در حمله‌ی‌شان بر ولسوالی چاردره از موترهای هاموی امریکایی و همچنین اسلحه‌ی سنگین استفاده کردند که از نیروهای امنیتی دزدیده شده بودند. مقام‌های برحال و پیشین در قندوز از دیروقت بدین‌سو هشدار داده‌اند که تجهیزات ارتش که طالبان در جریان تسلط‌شان [بر شهر قندوز] دزدیده‌اند، تهدید جدی‌یی را متوجه این شهر می‌کند.

سربازان زنده ماندند؛

اما هزینه‌ی تدفین خود را باید بازگردانند

نیویورک تایمز / مجیب مشعل

ترجمه: معصومه عرفانی



اولین مرگ نورالحق زمانی اتفاق افتاد که پایگاه او در جنگی شدید در جنوب کشور، به‌طور کامل توسط طالبان نابود شد. صدها نفر از جنگجویان شورشی آن‌جا را ویران کرده بودند و تمام آن‌چه برای دولت باقی ماند، انتقال اجساد به خانه بود.

همسر و ده فرزند او جسدش را به خاک سپردند، سنگی را بالای تپه‌ی روی قبر او در گورستانی در بهسود، شرق افغانستان، قرار دادند که به‌سرعت با اجساد دیگر سربازان پر شد. به آن‌ها نیز مانند دیگر خانواده‌ها ۲۳۰۰۰ دالر -مبلغی که به‌سختی حقوق یک سال یک سرباز است- از سوی دولت به‌عنوان غرامت پرداخته شد تا برای مراسم تدفین استفاده شود و برای مدتی کوتاه مخارج آن‌ها را تأمین می‌کرد.

هیچ نمی‌داند آن‌ها چه کسی را در قبر گذاشتند، اما آقای نورالحق نبود. او و یکی دیگر از اعضای واحدش، امام‌الدین ابراهیم‌خیل، درمیان تعداد دیگری از سربازانی بودند که در ماه آگست گذشته توسط طالبان به اسارت گرفته شده و در نهایت توسط نیروهای ویژه افغانستان آزاد شدند.

خبر مرگ آن‌ها آسیب شدیدی به خانواده‌هایشان وارد کرده بود؛ غم‌واندوه دفن اجساد بیش از آن بود که قابل توصیف باشد؛ و بعد، یک‌باره خبر زنده بودن مردان رسید. پس از آن، ضربه‌ی دیگری: دولت خواستار بازپرداخت پول غرامت شد. به آن‌ها گفته شده بود که هر زمان بخواهند می‌توانند برای خدمت به ارتش بازگردند.

آقای ابراهیم‌خیل گفت: «آن‌ها ما را وسط جهنم گذاشته بودند. باورم نمی‌شد چه اتفاقی در جریان است. آن‌چه بر ما گذشته بود و رنجی که ما تحمل کردیم. و تمام آن‌چه برای آن‌ها اهمیت داشت پول مراسم تشییع جنازه بود».

خانواده‌های آقای نورالحق، مردی ۳۹ ساله که در قراردادی ۳ ساله به خدمت در ارتش استخدام شده بود، و آقای ابراهیم‌خیل، مردی ۳۱ ساله با ۳ فرزند، درمیان هزاران نفری بودند که سال گذشته در جنگی دشوار گرفتار آمده بودند. شبکه‌ی تلویزیونی یک، نخستین‌بار خبر زنده‌ماندن این افراد را منتشر کرد.

به گفته‌ی مقامات افغانستان، تنها در ولایت هلمند، جایی که این دو نفر مستقر بودند، حداقل ۳۰۰۰ عضو ارتش و پلیس ملی افغانستان در طی ۱۱ ماه گذشته کشته شدند - تقریباً نزدیک به مجموع تلفات امریکایی در تمام سال‌های جنگ.

پسر ارشد آقای نورالحق، ضیاءالحق ۲۳ ساله، تابستان سال گذشته به‌عنوان کارگر روزمزد در شهر جلال‌آباد در شرق افغانستان کار می‌کرد زمانی تماسی را دریافت کرد که خبر از کشته‌شدن پدرش می‌داد. ضیاء همراه با دو خویشاوند مسن‌تر، سوار اتوبوسی به پایتخت، کابل، شد و جنازه را از یک بیمارستان نظامی تحویل گرفت.

روی تابوت او جزئیات رسمی زندگی آقای نورالحق نوشته شده بود. نورالحق، پسر سید امیر جان، (ARTILLERY 215TH COMPANY, SECOND BATTALION, THIRD REGIMENT MAIWAND CORPS).

تاریخ شهادت: ۲۸ آگست ۲۰۱۵
بستگاه ضیاء کیسه‌ی سبز رنگ داخل تابوت را برای چک کردن جسد باز کردند، که به گفته‌ی آن‌ها به‌شدت آسیب دیده و تنها بخشی از سر باقی مانده بود - جسد به حدی متلاشی شده بود که امکان شسته‌شدن و پوشاندن کفن سفید که سنت افغانستان است، وجود نداشت. آن‌ها به ضیاء اجازه ندادند که جسد را ببیند چراکه می‌ترسیدند مرد جوان طاقت نیاورد.

جسد در موتری قرار داده شد که هزینه‌ی آن را دولت پرداخته بود. در خانه‌ی سه‌اتاقه‌ی خشتی خانواده در منطقه‌ی بهسود در ولایت ننگرهار، جمعیتی از عزاداران منتظر رسیدن آن‌ها بودند. جسد چند دقیقه‌ی درمیان زنان قرار داده شد؛ تابوت بو گرفته بود و به سرعت به گورستانی منتقل شد که بیش از ۳۰۰ عزادار آخرین نماز را برایش برگزار کردند و بعد او را در خانه‌ی ابدی‌اش قرار دادند تا آرام بگیرد.

ضیاء گفت: «ما می‌ترسیدیم که مادرمان را نیز از دست بدهیم. شش یا هفت روز طول کشید تا او دوباره شروع کرد به غذا خوردن».

خانواده‌ی سرباز دیگر، آقای ابراهیم‌خیل، بدشانس‌تر بودند. یک روز بعد از آن که جسد او به خانه‌اش در منطقه‌ی چاربولک در شمال ولایت بلخ رسید، مادر آقای ابراهیم‌خیل در اثر حمله‌ی قلبی درگذشت. سه نفر از چهار پسر او در ارتش خدمت می‌کردند و بیشتر در ولایت هلمند مستقر

بودند. خانواده‌اش باور داشتند که او در گورستان خانوادگی به یکی از پسرانش ملحق خواهد شد.
چند روز پس از مراسم خاکسپاری آقای نورالحق، پسرش ضیاء به کابل بازگشت تا پول غرامت را از دولت بگیرد - ۱۶۲۰۰۰ افغانی، معادل ۲۳۰۰۰ دالر. یک سوم از پول‌ها اسکناس‌های خرد بودند، ده بسته. پول‌های درشت‌تر آن قدر پاره بودند که بانک آن‌ها را نپذیرفت. بانک پول‌های خرد را نیز قبول نکرد و گفت که به‌قدر کافی از این پول‌ها در بانک دارد.

اولین حادثه، یک روز صبح، سه ماه بعد از دفن نورالحق اتفاق افتاد. ضیاء تماسی تلفنی از مردی با لهجه‌ی جنوبی دریافت کرد که می‌خواست بداند او پسر نورالحق است. درابتدا، ضیاء خیال کرده بود که این یک شوخی است. اما این مرد اطلاعات واقعی داشت و گفته بود: نورالحق نمرده است، بلکه در یکی از زندان‌های طالبان در منطقه‌ی نوزاد ولایت هلمند زندانی است.

ضیاء گفت: «مادرم در حال نان پختن در داش بود، زمانی که من به او گفتم پدرم پیدا شده است. ناگهان همه باز هم شروع کردند به گریستن، این بار از سر خوشحالی».
زمانی که ضیاء این خبر را با خویشاوندان مرد خود به اشتراک گذاشت و گفت که می‌خواهد به منطقه‌ی نوزاد برود تا پدرش را پیدا کند، آن‌ها قانع نشدند. به او گفته شد: شاید کسی تلاش کرده است تا تو را فریب بدهد و پول غرامت را از تو بگیرد، یا شاید این تله‌ی از طرف طالبان باشد.

اما او باید خودش حقیقت را پیدا می‌کرد. تمام آن‌چه در ذهن او و برادر جوانش می‌گذشت، این رؤیا بود که پدرشان را، زنده ملاقات می‌کنند.

ضیاء در سفر ۱۵ روزه‌ی برای پیدا کردن پدرش به مرکز قلمرو طالبان، در کمربند خشک‌خاش در جنوب، رفت. او پیش از آن که بتواند قرار ملاقات بگیرد، باید بیرون از یک دادگاه طالبان در مسجدی در منطقه‌ی نوزاد منتظر می‌ماند، تا زمانی که منازعات زمین و دزدی‌ها توسط یکی از رهبران شورشیان درحال رسیدگی بود.

پس از تأیید درخواست، به ضیاء اجازه داده شد تا ملاقات کوتاهی با پدرش داشته باشد. او پدرش را در ساختمان یک مدرسه‌ی قدیمی دید که طالبان به یک زندان تبدیل کرده بودند. نورالحق شکسته شده بود و به سختی می‌توانست قدم بردارد. اما صدها مایل آن‌طرف‌تر از جایی که دفن

که گاهی در یک ولسوالی متفاوت بود.
پس از چهار ماه در اسارت، زمانی که همه مرگ آن‌ها را پذیرفته بودند، آقای ابراهیم‌خیل شماره‌ی تلفنی را به شخصی داد که برای ملاقات یک زندانی غیرنظامی آمده بود. ملاقات‌کننده شماره را روی پایش، زیر پاچه‌ی شلوارش، نوشت و بعد از آن استفاده کرد و با خانواده‌ی آقای ابراهیم‌خیل تماس گرفت تا خبر زنده‌ماندنش را به او بدهد. یکی از برادران آقای ابراهیم‌خیل به نوزاد سفر کرد تا در نهایت زندانی را که برادرش در آن‌جا بود پیدا کرد. آقای ابراهیم‌خیل گفت: «آن‌ها به ما اجازه ندادند از نزدیک ملاقات کنیم. ما از فاصله‌ی ۲۰ متری همدیگر را دیدیم تا فقط نشان بدهند که من توسط آن‌ها اسیر شده‌ام و زنده‌ام».

زمانی که نیروهای ویژه‌ی افغان در ماه دسامبر به زندانی در نوزاد حمله کردند، ضیاء امیدوار بود که پدرش آزاد شود. او چندین بار تماس گرفت اما خبرها خوب نبودند: پدرش درمیان آزادشدگان نبود. به او گفته شد که آقای نورالحق احتمالاً قبل از حمله توسط طالبان کشته شده است.

نورالحق بار دیگر برای خانواده‌اش از دست رفته بود. اما این بار نیازی نبود تا بستگانش همان‌قدر صبر کنند تا حادثه‌ی جدید اتفاق بیفتد.

یک‌ماه بعد، حمله‌ی دیگری توسط نیروهای ویژه‌ی افغانستان در منطقه‌ی مجاور، به آزادی آقای نورالحق، آقای ابراهیم‌خیل و ۶۰ تن دیگر منجر شد. این دو نفر بعدتر دریافتند که خانواده‌هایشان چه مصیبت و رنجی را متحمل شده بودند.

اما زمانی که ارتش از هر دو نفر درخواست کرد تا پول غرامت را به دولت بازگردانند، هر دو احساس کردند مورد توهین قرار گرفته‌اند و در هم شکستند.

مقامات ارتش ادعا می‌کنند که این حادثه درحقیقت تقصیر هیچ‌کسی نیست. پایگاه‌هایی که در میدان‌های جنگ قرار دارند در مناطقی دورافتاده هستند، و گاهی ماه‌ها طول می‌کشد تا اجساد در نهایت منتقل شوند، درحالی‌که به‌شدت آسیب دیده یا تجزیه شده‌اند. اغلب تعیین این‌که چه کسی مرده است، چه کسی میدان را رها کرده یا چه کسی زنده اسیر شده است، غیر ممکن می‌شود.

جنرال دولت‌وزیری، یکی از سخن‌گویان وزارت دفاع، مورد آقای نورالحق و آقای ابراهیم‌خیل را مصیبت جنگ جاری توصیف کرده و گفته است که این دو نفر به‌زودی با وزیر دفاع ملاقات خواهند داشت. وزیر از آن‌ها به‌دلیل شجاعت‌شان قدردانی کرده و به آن‌ها کمک خواهد کرد. جنرال وزیر گفت: «آن‌ها مجبور نیستند هیچ پولی را پرداخت کنند».

اما درحال حاضر هر دو مرد به ولایت هلمند بازگشته و در تلاش برای آزاد کردن حقوق خود هستند که به‌عنوان بازپرداخت غرامت مرگی که به خانواده‌هایشان داده شده بود، ضبط شده است. هر دو نفر در مصاحبه‌های تلفنی گفتند که هیچ نشانه‌ی از این‌که بدهی آن‌ها پاک شده است وجود ندارد.

آقای ابراهیم‌خیل گفت: «۱۷ ماه بود که من به خانه نرفته بودم. کوچک‌ترین فرزندم که ۷ یا ۸ ماهه بود زمانی که من خانه را ترک کردم، حالا اصلاً مرا به یاد نمی‌آورد».

خانواده‌ی آقای نورالحق درحال حاضر بخش زیادی از پول غرامت را در چرخه‌ی رنج‌آور از مصیبت و شادی مصرف کرده‌اند. ضیاء گفت: «مهمان‌ها پی‌هم می‌آمدند؛ در ابتدا زمانی که شنیدیم او زنده است و مردم برای جشن گرفتن می‌آمدند. بعد زمانی که دوباره شنیدیم او احتمالاً کشته شده است و مردم باز هم آمدند. و در نهایت زمانی که او به خانه بازگشت، چنان جمعیت بزرگی آمده بود که ما بیشتر آن‌ها را نمی‌شناختیم».

هر بار، باید برای آن‌ها غذا فراهم می‌شد.

روز سومی که آقای نورالحق به خانه رسید، با کمک یکی از پسرانش به قبرستان رفت. آن‌جا پر شده بود از قبرهای سربازان و افراد پلیسی که بسیاری از آن‌ها در هلمند کشته شده بودند. پرچم افغانستان بر سر قبرهای آن‌ها برافراخته شده بود. او روی سنگ قبری خم شد که قرار بود از خود او باشد، و برای مرد ناشناخته‌ی که در آن‌جا به خاک سپرده شده بود دعا خواند.

اما دو ماه بعد، آقای نورالحق به هلمند برگشت تا برای آزاد کردن حقوق باقی‌مانده‌اش تلاش کند و احتمالاً برای خدمت در ارتش برای سه سال دیگر نیز ثبت نام کند.

هلال، پسر ۴ ساله‌ی آقای نورالحق، غیبت دوباره‌ی پدرش را چنین توضیح داد: «پدرم رفته است تا برنج بیاورد».

روز سومی که آقای نورالحق به خانه رسید، با کمک یکی از پسرانش به قبرستان رفت. آن‌جا پر شده بود از قبرهای سربازان و افراد پلیسی که بسیاری از آن‌ها در هلمند کشته شده بودند. پرچم افغانستان بر سر قبرهای آن‌ها برافراخته شده بود. او روی سنگ قبری خم شد که قرار بود از خود او باشد، و برای مرد ناشناخته‌ی که در آن‌جا به خاک سپرده شده بود دعا خواند.

شده بود، در قبرستانی در بهسود، او هنوز آن‌جا بود، زنده، نفس می‌کشید و با پسرش گفت‌وگو می‌کرد.
طالبان او را آزاد نکردند و ضیاء به تپه‌ای به خانه بازگشت. آقای ابراهیم‌خیل در مصاحبه‌ی تلفنی گفت: زمانی که طالبان به پایگاه سربازان در ولسوالی موسی‌قلعه در ولایت هلمند حمله کرده بودند، آقای نورالحق و دوستش آقای ابراهیم‌خیل در میان ۱۰ سربازی بودند که توسط طالبان اسیر شدند.
آقای ابراهیم‌خیل گفت که اسیران جدید به دیگر زندانیان از نیروهای امنیتی پیوستند که در کل ۸۷ نفر بودند. از ترس حملات دولت، هر ماه آن‌ها به زندانی جدید منتقل می‌شدند

جابه‌جایی جمعیت در افغانستان

(مهاجرت و عودت افغان‌ها در سال ۲۰۱۵ و ربع اول سال ۲۰۱۶ بر اساس آمار سازمان ملل)

قدرت‌الله احمدی



سال ۲۰۱۵ میلادی، تحکات و جابه‌جایی‌های گسترده‌ی جمعیتی در کشور اتفاق افتاد. این جابه‌جایی‌ها به اشکال مختلف از جمله خروج بی‌رویه‌ی افغان‌ها به مقصد اروپا، جابه‌جایی‌های داخلی و عودت مهاجران صورت گرفته است. جابه‌جایی جمعیتی در سال گذشته، دست کم در یک‌ونیم دهه‌ی اخیر بی‌سابقه بود. هزاران نفر در این جابه‌جایی‌ها خانه و کاشانه‌ی خود را از دست دادند، صدها نفر در آب‌های ترکیه و یونان جان باختند و میلیون‌ها دالر از کشور خارج شده و به دست قاچاقبران انسان قرار گرفتند. از همه مهم‌تر موج مهاجرتی که در سال گذشته شکل گرفت، به لحاظ روانی وضعیت دشواری را بر جامعه حاکم ساخت.

موج مهاجرت به سمت اروپا

با باز شدن مرزهای اروپا به روی مهاجران در اوایل سال ۲۰۱۵، موج مهاجرت از کشور به سوی اروپا افزایش یافت. براساس آمارها، در این سال بیش از ۲۵۰ هزار مهاجر کشور را به مقصد اروپا ترک کردند. براساس ارزیابی سازمان بین‌المللی مهاجرت، مهاجران افغان پس از مهاجران سوری بیشترین رقم مهاجران جهان را در سال ۲۰۱۵ تشکیل می‌داد. بخش عمده‌ی مهاجران افغان در المان درخواست پناهندگی کرده‌اند و پس از آن کشورهایی مانند سوئد، سوئیس، دانمارک، بلژیک، هلند و آیسلند بیشترین رقم درخواست پناهنجویی از سوی افغان‌ها را ثبت کرده‌اند.

با مسدود شدن مرزهای اروپا، اکنون موج مهاجرت اندکی فروکش کرده است. اخیراً وزارت مهاجرین اعلام کرده است که روند خروج مهاجران از کشور به پایین‌ترین سطح خود در یک سال گذشته رسیده است. با این وجود، بسیاری‌ها تلاش دارند راه‌های جدیدی را برای خروج از کشور به آزمون بگیرند. اکنون کمپ‌های سازمان ملل متحد در کشورهای اندونیزیا، مالیزیا، ترکیه، هند، پاکستان، سریلانکا و برخی از کشورهای آسیای میانه، مقصد مهاجران افغان را تشکیل می‌دهند. هرچند آمار دقیقی در مورد مهاجران افغان در کمپ‌های سازمان ملل متحد وجود ندارد، اما بدون شک این مهاجران رقم قابل توجهی را تشکیل می‌دهند.

بی‌جاشدگان داخلی

خروج از کشور تنها مسأله‌ی مهاجرت و جابه‌جایی جمعیتی در کشور نیست. بخش عمده‌ی جابه‌جایی جمعیتی مربوط به بی‌جاشدگان داخلی می‌باشد. این جماعت به دلیل ناامنی، فقر و مشکلات اقتصادی مجبور شده‌اند خانه و کاشانه‌ی شان را رها کرده و به حاشیه‌ی شهرها و مناطق امن‌تر پناه‌گزیین شوند. کمیشنری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) در تازه‌ترین گزارش خود در مورد جابه‌جایی جمعیت در افغانستان اعلام کرده که در سه ماه اول سال ۲۰۱۶ م ۸۱۴۴۵ نفر بی‌جاشده را در سراسر کشور به ثبت رسانده‌اند. این رقم، در ربع اول سال ۲۰۱۶ م، افزایش چشم‌گیری در شمار بی‌جاشدگان داخلی را نشان می‌دهد. براساس گزارش این سازمان، از مجموع ۳۴ ولایت در افغانستان، در ۲۳ ولایت مردم از خانه‌های خود بی‌جا شده‌اند. از مجموع این ۲۳ ولایت، ولایت بغلان با ۲۵ هزار بی‌جاشده در صدر و پس از آن ارزگان با ۱۲ هزار، هلمند با ۹ هزار، کندز با ۶ هزار و کندهار با ۵ هزار بی‌جاشده به ترتیب در درجه‌ی دوم تا پنجم قرار دارند.

عودت کنندگان

با وجود خروج بی‌رویه‌ی مردم از کشور طی سال ۲۰۱۵ م، این روند لزوماً یک روند یک‌طرفه نبوده است. در جریان این سال شمار عودت‌کنندگان نیز افزایش را نشان می‌دهد. کمیشنری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد گزارش داده که به‌طور مجموعی ۵۸۴۶۰ نفر در سال ۲۰۱۵ به کشور بازگشته‌اند. رقم عودت‌کنندگان در سال ۲۰۱۴ م ۱۷ هزار نفر بوده است. این سازمان در گزارش خود گفته است که بیشترین رقم عودت‌کنندگان از پاکستان به کشور بازگشته‌اند. دلیل اصلی افزایش عودت مهاجران از پاکستان، آزار و اذیت آنان، اخراج اجباری، بازداشت‌های خودسرانه و اخاذی و اجحاف

وضعیت بی‌جاشدگان داخلی از

این بدتر است. هزاران بی‌جاشده‌ی داخلی در حاشیه‌ی شهرها بدون

سرپناه زندگی می‌کنند. کمبود

مواد غذایی، فقدان خدمات صحی،

عدم دسترسی به درس و تعلیم

و عدم دسترسی به بازار کار و

اشتغال از مشکلات اساسی آنان

می‌باشند. کمک‌هایی که از سوی

نهادهای بین‌المللی برای بی‌جا

شدگان داخلی انجام می‌شود، عمدتاً

محدود بوده و به‌شکل موقت در

اختیار این افراد قرار داده می‌شود.

این کمک‌ها نمی‌تواند مشکل بی‌جا

شدگان داخلی را به‌شکل اساسی حل

کند. گسترش ناامنی و فقر به‌شدت

هرچه بیشتر این مسأله افزوده و

این روند را افزایش داده است.

از سوی پولیس و مردم پاکستان عنوان شده است. شمار عودت‌کنندگان از ایران در مقایسه با پاکستان کمتر گزارش شده است. در گزارش این سازمان، اندکی بهبودی در وضع مهاجران افغان در ایران نیز به چشم می‌خورد. در جریان سال ۲۰۱۵ م شماری از مهاجران از اروپا نیز به‌شکل داوطلبانه به کشور بازگشته‌اند. سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM)، شمار افرادی را که به‌شکل داوطلبانه از اروپا به کشور بازگشته‌اند، ۹۲۰ نفر اعلام کرده است. براساس گزارش این سازمان، ۴۵ درصد این افراد از آلمان و متباقی از دیگر کشورهای اروپایی به کشور عودت کرده‌اند.

چالش‌های پیش رو

هرسه گروه مهاجران، عودت‌کنندگان و بی‌جاشدگان داخلی با مشکلات و چالش‌های خاصی مواجه می‌باشند. مشکل اصلی مهاجران سرنوشت نامشخص و وضعیت رقت‌بار شان در کمپ‌ها می‌باشد. اکثر کشورهای اروپایی اعلام کرده‌اند که بخش عمده‌ی مهاجران افغان واجد شرایط پناهندگی نیستند و دوباره به کشورشان بازگردانده می‌شوند. در این‌جا حکومت

نیز با مهاجرانی که به سمت اروپا رفته‌اند، ابراز هم‌نواپی ندارد. اخیراً رئیس‌جمهور غنی گفته بود که با این مهاجران ابراز همدردی ندارد. هرچند مقام‌های حکومتی گفته‌اند که مانع اخراج اجباری مهاجران از اروپا می‌گردند، اما کار بیشتری در این زمینه انجام نشده و هزاران نفر از شهروندان کشور در برزخ قبولی و یا اخراج اجباری در کشورهای اروپایی به سر می‌برند. وضعیت بی‌جاشدگان داخلی از این بدتر است. هزاران بی‌جاشده‌ی داخلی در حاشیه‌ی شهرها بدون سرپناه زندگی می‌کنند. کمبود مواد غذایی، فقدان خدمات صحی، عدم دسترسی به درس و تعلیم و عدم دسترسی به بازار کار و اشتغال از مشکلات اساسی آنان می‌باشند. کمک‌هایی که از سوی نهادهای بین‌المللی برای بی‌جاشدگان داخلی انجام می‌شود، عمدتاً محدود بوده و به‌شکل موقت در اختیار این افراد قرار داده می‌شود. این کمک‌ها نمی‌تواند مشکل بی‌جا شدگان داخلی را به‌شکل اساسی حل کند. گسترش ناامنی و فقر به‌شدت هرچه بیشتر این مسأله افزوده و این روند را افزایش داده است.

با این‌که دولت و نهادهای بین‌المللی در تلاش‌اند تا مهاجران را به کشور بازگردانند، اما وضعیت عودت‌کنندگان در کشور نیز چندان مطلوب گزارش نشده است. اکثر عودت‌کنندگان نمی‌توانند در شهرهای کشور ساکن شوند و به‌دلیل تجربه‌ی زندگی شهری در کشورهای دیگر، اکنون با مشکل عدم تطابق با زندگی روستایی در کشور مواجه می‌باشند.

از همه مهمتر، عودت‌کنندگان با مشکل بیکاری و تأمین معیشت مواجه‌اند. در گزارش کمیشنری عالی پناهندگی سازمان ملل متحد، آمده که ۵۴ درصد خانواده‌ها گفته‌اند که شاغل‌اند، اما ۴۶ درصد دیگر گفته‌اند که فاقد اشتغال می‌باشند. ۵۰ درصد خانواده‌ها گفته‌اند که شاغلین روزمزداند. شمار کوچکی گفته‌اند که در ادارات دولتی، مؤسسات، سیستم حمل‌ونقل، کشاورزی و دامداری مصروف می‌باشند. سطح درآمد شاغلین نیز بسیار پایین گزارش شده است. ۶۳ درصد گفته‌اند که بیشتر از ۵۰ افغانی در روز عاید دارند، و ۳۷ درصد دیگر گفته‌اند که درآمد روزانه‌ی شان کمتر از پنجاه افغانی می‌باشد. ده درصد خانواده‌ها تأیید کرده‌اند که اطفال شان مصروف کارهای روزانه می‌باشند. ۶۹ درصد وضعیت اقتصادی خود را بدتر از شرایط مهاجرت ارزیابی کرده‌اند و تنها ۲۱ درصد اندکی بهبودی در وضع اقتصادی خود گزارش داده‌اند.

دسته‌بندی: گزارش، تحلیل

کلمات کلیدی: جابه‌جایی جمعیت در افغانستان، مهاجرت افغان‌ها در سال ۲۰۱۵، بی‌جاشدگان داخلی در سال ۲۰۱۵، عودت‌کنندگان به افغانستان در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، بحران مهاجرت در جهان

چهلک

سخن‌سازان

اشرف مخلوقات

قتل «ستایش»، دختر شش‌ساله‌ی افغان، در تهران اندوه و خشم و ملامت و قضاوت و تعصب و مفاهیم دیگر در زبان آدمی را به سطح آورد. آن جوانی که ستایش را به آن‌گونه‌ی فجیع کشت، به‌سختی مورد نكوهش و نفرت قرار گرفت. آنانی که آن جنایت را محکوم نکردند و یا دیر محکوم کردند، ملامت شدند. مردم بر دولت‌های ایران و افغانستان نفرین فرستادند که برای اجرای عدالت جنب‌وجوشی از خود نشان ندادند. همه‌ی این‌ها به‌خاطر این است که اشرف مخلوقات، یعنی انسان، باید بهتر از این باشد. اسپ و گوزن و خرگوش و نهنگ و کفتار و کبوتر و پلنگ مفهومی به‌نام «اشرف مخلوقات» ندارند. ما آدم‌ها، بدون در میان گذاشتن این لقب پر افتخار با دیگر حیوانات، خودمان نشستیم و چپین لقبی برای خود تراشیده‌ایم و حالا به جد معتقدیم که واقعاً هم اشرف مخلوقات ایم.

این اشرف مخلوقات البته سیاه‌کاری‌هایش پایانی ندارد. به اندازه‌ی کفتار می‌درد و به اندازه‌ی گرگ حب‌النفس دارد؛ ولی هرگز نمی‌پذیرد که این چنین است. گرگ و شیر که از بی حیوانات دیگر می‌افتند، بیانیه نمی‌دهند. فقط می‌غرند و وقتی به شکار نگویند بخت خود رسیدند، پاره‌اش می‌کنند. اشرف مخلوقات گاه حتا هشدار می‌دهد. حتا با شکار خود مذاکره می‌کند و حتا شکار خود را متقاعد می‌کند که بخشی از هستی خود را واگذارد کند. این اشرف مخلوقات گاه سکوت می‌کند. می‌بیند که یکی از همگان آشپیش، از همان جنگلی که او هم ساکن‌اش هست، یک انسان دیگر را نابود می‌کند. می‌بیند و خبر دارد که چه شده. اما در برابر این وحشت سکوت می‌کند. اشرف مخلوقات است دیگر. می‌تواند سکوت کند و سکوت می‌کند. چرا؟ چون مثلاً نژادپرست است. اسپ و گوزن و خرگوش و نهنگ و کفتار و کبوتر و پلنگ به هر دلیلی که سکوت کنند یا بدرند، حداقل از نعمت خدادادی هوش در حدی بهره‌مند نیستند که چند تایی دیگر را گرد بیاورند و بگویند ما چون مثلاً زردیم بهترین یا چون چنگال‌های مان سیاه‌اند، برتریم. نژادپرستی را نمی‌فهمند. آن‌ها این را هم نمی‌فهمند که بگویند خوب شد فلان آهو را شیر درید و ما حرفی نمی‌زنیم چون معتقدیم که آن آهو شاخ‌های خود را به‌نحوی خلاف اصول آیین ما کج گذاشته بود. ولی اشرف مخلوقات چرا؟ اشرف مخلوقات از بس هوشمند است، سر چیزهای بسیار ظریف موضع خود را عوض می‌کند. مثلاً تا فکر می‌کند ستایش پسر است، از کشته شدن‌اش عصبانی می‌شود. اما به محضی که می‌فهمد او دختر بوده، اعصاب‌اش آرام می‌شود. برای این که فکر می‌کند حتماً مادر این دختر آدم خوبی نبوده که دخترش عکس داشته و حتا عکس‌اش را می‌شده در رسانه‌های بی‌ناموس پیدا کرد. اشرف مخلوقات به شرف انسان ارزش زیادی می‌دهد. به‌همین خاطر، هرجا که حس کند گناه یک دختر مقتول شش‌ساله به گردن خودش هست، سکوت می‌کند. اشرف مخلوقات است دیگر.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months 120\$ USD

Annual 200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

نشش ماهه ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله ۵۰۰۰ افغانی

برای متعلمین و محصلین

نشش ماهه ۲۰۰۰ افغانی

یک ساله ۴۰۰۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسؤلیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

jawad.najee@gmail.com

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: جواد ناجی

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲



Nika Nikzad

کودکی مان در محله‌ی نوینیا گذشت. با یک عالم زمین و خانه‌های نیم‌ساخته در کنار یک عالم خانه‌های نو، براق و شیک!

هر روز صبح‌مان با صدای کلنگ و تیشه‌ی کارگران بنا یا به آواز دسته‌جمعی آنان به‌خیر می‌شد.

آن سال‌ها اکثر کارگران بنا از میان مهاجران افغان بودند. درست روبه‌روی منزل ما، در آن سوی کوچکی عریض محله‌مان، خانه‌ی نیم‌ساخته، پاتوق و پس از مدتی محل زندگی و اقامت تعدادی از آنان شده بود.

یادم است شایعات بدی در مورد افغان‌های مهاجر بر سر زبان‌ها بود. دزدند! مثل آب خوردن سر می‌برند! پسرها را می‌دزدند و برای تن‌فروشی به پاکستان می‌برند ووو.

یکی از آدابی که زیر سقف ما آموخته می‌شد و به‌خاطر آن تا پایان عمر مدیون پدرم هستم، استقلال در قضاوت بود. آموختیم که بی‌توجه به شایعات ایام گذرانیم و هر شخص را بنا به تجارب و خاطراتی که با او داریم، قضاوت کنیم یا حتی بی‌قضاوت با سایرین زندگی کنیم.

و به این شکل بود که در محله‌ی نوینیا ما نه‌تنها مهاجران افغان چپ‌چپ نگاه نمی‌شدند، احترام و اخوت واقعی بین آنان و ما برقرار بود.

در تمام آن سال‌ها حتی یک‌بار زن یا دختر مردم از آن‌ها نگاه دریده‌ی ندید، همه می‌دانستیم برای رفع هرگونه مشکلی می‌توانیم روی کمک آن‌ها حساب کنیم.

ناتور و شبگرد کوچکی ما از میان آنان انتخاب شده بود. حتی امروز که بیش از سه دهه از آن ایام گذشته است، یادآوری نام خان‌محمد، راه رفتن با صلابت در کنار چهره‌ی مهربان و برادرگونه‌اش قلب ما کودکان دیروز را مالامال از خاطراتی فراموش‌ناشدنی می‌کند!

چه شبهایی که صدای سوت او حدی از امنیت را به ما القا می‌کرد که بی‌خیال سر را بر بالش بگذاریم و بی‌هراس از سرقت‌های مسلحانه‌ی که آن سال‌ها باب بود، با خاطری آسوده بیاریم!

چه روزهایی که بی‌نگرانی در سفر گذرانیم چرا که منزل را به آن‌ها سپرده بودیم.

یادم است زمانی از یک سفر نسبتاً طولانی به منزل بازگشتیم و یخچال را پر از گوشت گوسفند یافتیم. علت را از ناتورمان پرسیدیم؟ گفت: در نبود شما، ما نذری را ادا کردیم و سهم شما را در یخچال منزلتان گذاشتیم! گاهی به پاکستان می‌رفتند. خان‌محمد که می‌رفت، همیشه با دست پر باز می‌گشت. سوغاتی‌های زیبا از کارهای دستی آن‌جا. پول که نمی‌گرفت. اما پدر به هر شکل بود از خجالتش در می‌آمد.

روزی به در منزل آمدند و از ما اتو خواستند، جنگ در افغانستان شدت یافته بود و یکی از اقوام به منزل آن‌ها پناه آورده بود. طرف تحصیل کرده‌ی دانشگاه کابل بود و با زندگی بدوی و محقر آن عزیزان ناسازگار. برایش سخت بود که با لباس‌های مندرس یا اتونشده در انظار ظاهر شود. از آن شب، کنار منزل ما پاتوقی شد برای آقای دکتر و پدرم. ساعت‌ها کنار در منزل می‌نشستند و از هر دری با یکدیگر سخن می‌گفتند. چه خاطرات و چه تجاربی که در آن روزگار بین این دو ردوبدل نشد.

تا این که یک روز وحشتناک که هنوز هم یاد ویرانگرش چون تیری بر قلب ماست، پولیس به خانه‌ی افغان‌ها ریخت. همه را برد. خان‌محمد، داوود و جان‌محمد را.

در تمام آن سال‌ها آن‌قدر بذر مهربانی کاشته بودند که گویی عزیزان ما را بردند. هیچ‌کس نه در دلش و نه بر زبانش آن‌ها را تبهکار نمی‌دانست، حتی زمانی که داوود را به‌خاطر قاچاق مواد مخدر به دار آویختند، حتی امروز که بیش از سه دهه از ماجرا می‌گذرد و ما در بی‌خبری محض از آن دکتر یا خان‌محمد و یا جان‌محمدیم!

هفته‌ی گذشته دوباره در جمع خانواده از آن‌ها یاد کردیم. اخوی و من دوباره بر پدر خرده گرفتیم که چرا در منزل به آن‌ها پناه نداد و او برای صدمین بار توضیح داد که وقتی متوجه ماجرا شده است که آن‌ها در محاصره‌ی کامل پولیس بودند.

و باز ما با افسوس اعلام کردیم که اگر تنها قدری بزرگتر بودیم آن سه را سوار ماشین کرده و زنده و سالم تا مرز و به میهن‌شان می‌رسانیم!

.....

در طول این چند دهه بسیار اتفاقات ناگوار که در خاورمیانه گذشته است. بسیار ثروت‌ها که بر باد رفته و بسیار انسان‌ها که به خاک و خون غلطیده‌اند.

اما به گمانم بزرگترین خسران این دهه‌های پر آشوب یک چیز است: ناتو، طالبان، داعش، بنیادگرای سنی و شیعه و یهود و و و و، عشق را از ما دزدیده‌اند!

هنوز هم امیدی هست که فاشیست، راسیست یا شوونیست نباشیم. اما توان پاشیدن بذره‌ی مهربانی و بنیان‌گذاری عشق‌های بی‌پایان و اخوت‌های بی‌خدشه و بی‌چشمداشت به‌شدت در بین ما تقلیل یافته است. به عوض زود عصبی می‌شویم. بی‌نهایت کینه می‌توزیم و نفرت‌ها مان را در کنش‌ها و برنامه‌های مان می‌نشانیم.

برای بهروزی باید به اصل برگردیم. دوباره باید عشق ورزید. مهربانی کاشت و انسانیت را در پهنه‌ی دل‌های مان، در کلام و اعمال مان جاری ساخت.

ساختن سلاح از نفرت برای مبارزه، برای انقلابات و خیزش‌ها و برای جنگ‌گستری و انتقام‌جویی، جز تباهی به‌دنبال ندارد. جز ایجاد فاصله و تنگ‌تر و تنگ‌تر شدن حلقه‌ی یاران و وسعت بی‌حد دشمنان سودی ندارد. حاصل تنها تخریب است و آتش. حاصل مرگ انسانیت است و گسترش فقر! حاصل ناتوانی در فهم عشق و برادری است!

اردن سفیر خود را از تهران فراخواند

و بی‌ثباتی در منطقه منجر شده است. مقام‌های سیاسی ایران بارها هرگونه دخالت را در امور داخلی کشورهای عربی رد کرده‌اند.

باین‌حال سخن‌گوی دولت اردن گفته است کشورش برای تداوم روابط با ایران تلاش می‌کند و از ایران خواست برای برقراری اعتماد و گفت‌وگو با همسایگان عرب خود تلاش کند.

سال گذشته پس از حمله به اماکن دیپلماتیک عربستان سعودی در ایران، اردن در اعتراض به این حمله، مجتبی فردوسی‌پور، سفیر ایران در امان را احضار و نسبت به آن‌چه که «دخالت ایران» در امور کشورهای عربی نامیده شد، اعتراض کرده بود.

در پی قطع روابط دیپلماتیک ریاض با تهران، برخی متحدان عربستان سعودی نیز روابط خود را با ایران قطع کردند یا سطح آن را کاهش دادند. کشورهای بحرین، سودان، سومالی و جیبوتی روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کردند، امارات متحده‌ی عربی مناسبات دیپلماتیک خود با تهران را تا سطح کاردار کاهش داد و کویت و قطر نیز سفرای خود را از ایران فراخواند.

اطلاعات روز: اردن روز دوشنبه سفیر خود را برای آن‌چه که «مشاوره» نامیده از تهران فرا خواند. بنابر گزارش تلویزیون العربیه، احضار سفیر اردن از تهران برای مشورت درباره‌ی آن‌چه که دخالت تهران در امورعربی خوانده شده، انجام گرفته است.

به گزارش رادیو فردا، مقام‌های رسمی اردن اعلام کرده‌اند که این فراخوانی در ارتباط با برخی «رویدادهای جدید» انجام می‌گیرد. این مقام‌ها توضیح بیشتری در مورد این رویدادها نداده‌اند.

به گزارش خبرگزاری رسمی اردن «پترا»، محمد مومنی، سخن‌گوی دولت اردن در این باره گفته است که بعد از توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ اردن امیدوار بوده که این توافق به تقویت روابط کشورهای عربی و ایران منجر شود اما در مرحله‌ی بعد از این توافق، مواضع ایران با این امیدواری «سازگار نیست».

سخن‌گوی دولت اردن تهران را متهم کرده در امور داخلی کشورهای عربی و گفته که ایران به‌ویژه در کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس دخالت می‌کند که به تشدید بحران در خاورمیانه

عفو بین الملل:

پناهجویان در یونان در «دام» گیر مانده‌اند

را یک فاجعه‌ی بشری تهدید می‌کند، که عامل آن این کشورها خواهد بود.

از سوی هم دالهیوزن در مورد کمک‌های صورت گرفته به پناهجویان گفته است که از ۶۱۴۰۰ پناهجو که قرار است از ماه سپتمبر سال ۲۰۱۵ از یونان به دیگر کشور تقسیم شوند، براساس اظهارات کمیسیون اتحادیه‌ی اروپا، تا هنوز فقط بخش بسیار کم آن‌ها کمک دریافت کرده‌اند. تنها ۶۱۵ پناهجو در دیگر کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا اقامت یافته‌اند.

او افزوده که براساس این ارقام، قابل تعجب نیست که بسیاری از ۳۱ اقامتگاه موقتی برای پناهجویان در داخل یونان لبریز شده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل به دلیل چنین مواردی، از یونان به عنوان عضو اتحادیه‌ی اروپا درخواست کرده است که سیستم پناهندگی را بهبود بخشد و به همه‌ی پناهجویان در این کشور، امکانات اقامتگاه‌ها را فراهم سازد که در این مورد، به حمایت اتحادیه‌ی اروپا نیاز است.

دولت‌های اتحادیه‌ی اروپا و ترکیه در ماه مارچ امسال توافقنامه‌ی را امضا کردند که برمی‌ناید آن قرار است همه پناهجویان که به‌صورت غیر قانونی از ترکیه به جزایر آژه‌ی یونانی می‌رسند، دو باره به ترکیه بازگردانده شود.

کره‌ی جنوبی:

کره‌ی شمالی در حال آماده شدن برای پنجمین آزمایش اتمی است

سوی سازمان ملل علیه این کشور اعمال شد.

کره‌ی شمالی در ماه جنوری گذشته چهارمین آزمایش اتمی خود را انجام داد. این کشور همچنین در ماه جاری میلادی یک موشک بالستیک از سواحل شرقی خود به دریا پرتاب کرد.

آزمایش‌های اخیر، تازه‌ترین مورد از یک رشته آزمایش‌های موشکی این کشور است که باعث تشدید تنش‌ها در این منطقه شده است.

کارشناسان معتقدند که کره‌ی شمالی از تکنولوژی نصب کلاهک اتمی بر موشک‌های قاره‌پیمای بالستیک برخوردار نیست. هر چند که گفته می‌شود در سال‌های اخیر برنامه‌ی تسلیحات هسته‌ای این کشور پیشرفت‌هایی داشته است.

اطلاعات روز: کارمندان سازمان‌های حقوق بشر از وضعیت بسیار اسفناک پناهجویان در یونان هشدار داده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل ضمن انتقاد گفته است که این پناهجویان از زمان مسدود شدن مسیر بالکان به‌بعد در «دام» گیرمانده‌اند.

به نقل از دویچه وله، در اخطاریه‌ی که سازمان عفو بین‌الملل در لندن نشر کرده است، آمده است که مسأله‌ی زندگی بیش از ۴۶۰۰۰ مهاجر و پناهجو مطرح است که در بسیاری از مناطق یونان پراکنده شده‌اند و در میان کثافات و لجن به‌سر می‌برند و شمار زیادی از این پناهجویان زنان و کودکان هستند.

در گزارش سازمان عفو بین‌الملل آمده است که بعد از تصویب توافقنامه میان ترکیه و اتحادیه‌ی اروپا، سرنوشت این انسان‌ها فراموش شده است. از زمان مسدود شدن مرز با مقدونیه، مثل این است که مهاجران در یک «دام» گیرمانده باشند و آن‌ها در بیم و ترس دایمی و ناامنی شب و روز می‌گذرانند. جان دالهیوزن، مدیر عفو بین‌الملل برای اروپا و آسیای مرکزی گفته است اگر حکومت‌های اتحادیه‌ی اروپا به زودی اقدام نکنند و وعده‌های‌شان را برای پذیرش پناهجویان و بهبودی شرایط زندگی آن‌ها در یونان عملی نکنند، در این صورت آن‌ها

نزدیک به ۴۰۰ پناهجو در دریای مدیترانه غرق شدند

اطلاعات روز: رییس‌جمهوری ایتالیا از وقوع یک تراژدی در دریای مدیترانه خبر داده و گفته است که صدها پناهجو صبح روز دوشنبه در دریای مدیترانه غرق شده‌اند.

یورو نیوز گزارش داده است که پناهجویانی که غرق شده‌اند، از جمله حدود ۴۰۰ نفری بودند که سوار بر چهار قایق بسوی سواحل ایتالیا در حرکت بوده‌اند و تنها ۲۹ نفر آن‌ها نجات یافته‌اند.

انتقاد داکتران بدون مرز از سیاست پناهندگی اروپا در همین‌حال سازمان داکتران بدون مرز سیاست پناهندگی اتحادیه‌ی اروپا را «غیرقابل قبول» عنوان کرد.

رادیو زمانه گزارش داده که پابلو مارکو، مدیر برنامه‌ی داکتران بدون مرز، روز دوشنبه (۳۰ حمله) گفته است تلاش‌های اتحادیه‌ی اروپا در حال حاضر تنها به بازگرداندن پناهجویان سوری به ترکیه معطوف شده است و نه حفاظت از انسان‌ها.

بر اساس برآورد سازمان داکتران بدون مرز حدود ۱۰۰ هزار نفر در خط مرزی با نیروهای گروه داعش در منطقه‌ی تحت کنترل کردها و هم‌مرز با ترکیه مستقر هستند.

ترکیه از یک سال پیش مرزهای خود را بسته است و تنها به سوری‌هایی که به‌شدت بیمار هستند و یا افراد سازمان‌های امدادرسان با مجوز مخصوص، اجازه‌ی عبور از مرز را می‌دهد.

کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و سازمان عفو بین‌الملل هم می‌گویند ترکیه پناهجویان سوری را به کشورشان بازمی‌گرداند. این اتهام بارها علیه ترکیه در بروکسل مطرح شده است اما از سوی اتحادیه‌ی اروپا نه تأیید و نه تکذیب شده است. به‌گزارش عفو بین‌الملل، ترکیه از نیمه‌ی ماه جنوری هزاران سوری را به کشورشان بازگردانده است.

نگرانی از زمین‌لرزه‌های بیشتر در جاپان

اطلاعات روز: یک سازمان امدادرسانی در جاپان از حدود ۲۵۰ هزار نفر از مردم در جنوب غربی این کشور که دو روز پیش شاهد دو زمین‌لرزه بودند، خواسته است تا خانه‌های خود را ترک کنند.

این هشدار به‌دنبال نگرانی از وقوع زمین‌لرزه‌های بیشتر در این ناحیه اعلام شده است.

به گزارش بی‌بی‌سی، آژانس زلزله‌نگاری جاپان هشدار داده است که در روزهای آینده ممکن است زمین‌لرزه‌های بیشتری این منطقه را تکان دهد.

ناکوبی کوکوا، مشاور سازمان صلیب سرخ جاپان گفته است تیم‌های امدادی بیشتری به این منطقه اعزام شده است.

هم‌اکنون حدود ۳۰ هزار نفر امدادرسان از جمله نیروهای ارتش جاپان در منطقه مشغول کمک به آسیب‌دیدگان هستند.

بر اثر دو زمین‌لرزه که اوایل هفته‌ی جاری در جزیره‌ی کیوشو در جنوب‌غربی جاپان رخ داد، دستکم ۴۲ نفر کشته شده‌اند.

گزارش‌ها از منطقه حاکیست که بیش از ۱۰۰۰ نفر نیز بر اثر این دو زلزله‌ی قوی زخمی شده‌اند. همچنین خسارات شدیدی به ساختمان‌ها، جاده‌ها و پل‌های ارتباطی وارد آمده است.

تلویزیون دولتی «ان اچ کی» جاپان به نقل از مقام‌ها پولیس این کشور گزارش داده است که هنوز از وضعیت ۱۱ نفر اطلاعی در دسترس نیست. هم‌زمان گزارش شده است که نرخ سهام در جاپان به‌دلیل تأثیر اقتصادی این زمین‌لرزه‌ها سقوط کرده است.

بر اساس گزارش‌ها تعداد زیادی از تولیدکنندگان جاپانی مانند سونی، هوندا و تویوتا مجبور به بستن کارخانه‌های خود شده‌اند که این امر به میزان عرضه‌ی کالاهای ساخت این شرکت‌ها ضربه زده است.



نقش ویروس فیفا در افت وحشتناک بارسلونا

مصائب بارسلونا درست از زمانی آغاز شد که بازیکنان ملی‌پوش این تیم از جمله مثلث MSN، برای انجام بازی‌های ملی راهی کشورشان شدند. از آن پس بارسلونا با روزهای درخشان خود وداع گفته است.

بارسلونا پس از وقفه بازی‌های ملی به ال‌کلاسیکو رسید و در خانه ۱-۲ مغلوب رئال مادرید شد. این تیم سپس اتلتیکو را در بازی رفت یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان شکست داد اما در لالیگا مقابل سوسیداد شکست تلخی را تجربه کرد. اوضاع برای بارسا وقتی بدتر شد که این تیم در بازی برگشت برابر اتلتیکو در لیگ قهرمانان ۰-۲ شکست خورد و حذف شد.

بارسای شکست خورده برای جبران ناکامی لیگ قهرمانان یک‌شنبه شب این هفته در نوکمپ به مصاف والنسیا رفت و عجب این‌که بازهم نتوانست موفق از زمین خارج شود و ۱-۲ مغلوب شد. حالا این تیم خود را از لحاظ امتیازی با اتلتیکو برابر می‌بیند و رئال نیز با یک امتیاز کمتر در رده‌ی سوم قرار دارد. بارسا تنها به لطف برتری در بازی‌های رودرو، پیش‌تاز لالیگا است.

در افت عجیب بارسلونا، نقش خستگی و افت بدنی بازیکنان این تیم که بازی‌های ملی (ملقب به ویروس فیفا) نیز در آن بی‌تاثیر نبوده‌اند کاملاً

مشهود است. به جز براوو و اینیستا، ۱۱ بازیکن ملی‌پوش بارسلونا هر کدام بیش از ۳۰۰۰ دقیقه تا بدین‌جای فصل بازی کرده‌اند؛ در حالی که در رئال مادرید ما شاهد چنین قضیه‌ی نیستیم و تنها ناواس، رونالدو و کروس بیش از ۳۰۰۰ دقیقه بازی کرده‌اند. مجموع دقایقی که بازیکنان معمولاً ثابت بارسا در این فصل به میدان رفته‌اند به ۳۹۱۲۲ دقیقه می‌رسد در حالی که در رئال مادرید این آمار، ۲۸۷۸۵ دقیقه است.

سه هفته پیش ویروس فیفا از بارسلونا قربانی نگرفت اما از لحاظ خسته شدن و تحلیل رفتن فیزیکی، تاثیر منفی خود را روی آبی‌اناری‌ها گذاشت. به‌طور مثال نیمار، سوارز و مسی، مسافتی طولانی را بخاطر همراهی تیم‌های ملی خود طی کردند و در بازگشت دیگر نتوانسته‌اند به فرم یکی دو ماه قبل خود برگردند. شرایط برای نیمار وخیم‌تر از مسی و سوارز بوده است. نیمار مقابل والنسیا یکی از ضعیف‌ترین بازیکنان بارسا بود در حالی که مسی یک گول زد و نشان داد که به تدریج در حال رسیدن به دوران خوب خود است. در مقایسه با بارسلونا، مثلث BBC رئال یعنی رونالدو، بنزما و بیل، در وقفه بازی‌های ملی کمتر دچار زحمت شدند. به جز رونالدو، بیل و بنزما به تیم‌های ملی خود دعوت نشده بودند.

جمله‌ای که برای سوارز به قیمت کارت‌زرد تمام شد

بارسا چه بوده است. موندوپورتیوو در همین رابطه گزارش داد که سوارز در اعتراض به داور بازی "داوید فرناندز بوربالان" به وی گفته است: (بازیکنان والنسیا) به میل خود در حال وقت تلف کردن هستند و تو هم این اجازه را به آن‌ها می‌دهی. همین جمله کافی بود تا بوربالان سوارز را با کارت زرد خود جریمه کند. اشاره سوارز به وقت تلف کردن‌های متوالی آندرس گومز بود. جالب این‌که داور در نیمه اول یک دقیقه و در نیمه دوم نیز تنها سه دقیقه وقت تلف شده اعلام کرد.

لوتیس سوارز که به تازگی محرومیت ناشی از ۵ کارته شدن خود را تمام کرده بود، یک‌شنبه شب یکی از خطاهای بارسلونا برابر والنسیا بود. بارسلونا در نوکمپ با نتیجه ۱-۲ بابر والنسیا شکست خورد تا کار قهرمانی این تیم در لالیگا بسیار پیچیده‌تر شود. حالا آبی‌اناری‌ها، اتلتیکو را هم امتیاز و رئال را نیز در یک امتیازی خود می‌بینند.

دقیقه ۳۹ بازی بود که لوتیس سوارز از داور کارت زرد دریافت کرد؛ در حالی که در تصاویر تلویزیونی مشخص نشد که دلیل این خطا گرفتن ستاره اروگوئه‌ای

تصمیم ادن هازارد برای ماندن در چلسی

روزنامه تایمز مدعی شد که ادن هازارد، هافبک چلسی به آنتونیو کونته اعلام کرده که قصد دارد فصل آینده در این تیم بماند.

هازارد که فصل گذشته بهترین بازیکن لیگ انتخاب شد، این فصل عملکرد بسیار ضعیفی تا به این‌جا داشته و در لیگ برتر هنوز موفق به گول‌زنی نشده است. شایعاتی درباره احتمال جدایی او مطرح شده بود و گفته می‌شد او می‌خواهد فوتبالش را در لیگ دیگری

ادامه دهد. پاری سن ژرمن و رئال مادرید نیز جدی‌ترین مشتریان او بودند ولی حال تایمز خبر از تصمیم هازارد برای ماندن در چلسی داد.

طبق ادعای این روزنامه هازارد به حضور کونته امیدوار است و می‌خواهد با سرمربی ایتالیایی بار دیگر به اوج بازگردد. کونته در تابستان با پایان قراردادش با تیم ملی ایتالیا، هدایت چلسی را بر عهده خواهد گرفت و تغییرات زیادی در این تیم ایجاد خواهد کرد.



ورزش

ژکو در پایان فصل رم را ترک خواهد کرد

ادین ژکو، مهاجم رم در پایان فصل این تیم را ترک خواهد کرد.

در دیدار یک‌شنبه شب رم مقابل آتالانتا، ادین ژکو چندین موقعیت از دست داد و نتوانست گول پیروزی بخش تیمش را به ثمر برساند. نظرات و شعارها در چند وقت اخیر بر علیه ادین ژکو بوده تا جایی که کار به دفاع والتر ساباتی، مدیر ورزشی باشگاه از او کشیده شده است.

حال گاتزتا دلو اسپورت مدعی شد که ژکو در پایان فصل رم را ترک خواهد کرد و مقصد بعدی او احتمالاً لیگ برتر یا بوندس لیگا خواهد بود.

این ملی‌پوش بوسنیایی در تابستان گذشته از منچستر سیتی به رم پیوست اما نتوانست انتظارات را برآورده کند و در بیشتر بازی‌های تیمش به عنوان بازیکن ذخیره به میدان رفت.

بالوتلی: نمی‌خواهم به لیورپول برگردم

ماريو بالوتلی، مهاجم AC میلان عنوان کرد که قصد بازگشت به لیورپول را ندارد.

بالوتلی که در اصل بازیکن لیورپول است، به صورت قرضی در میلان توپ می‌زند. او از ابتدای فصل، بخش عمده آن را به دلیل مصدومیت از دست داد. با این حال به نظر می‌رسد حتی حضور کلوپ در لیورپول هم فضا را برای بالو جذاب نکرده است.

او به خبرنگاران گفت: می‌خواهم در میلان بمانم. قصد بازگشت به لیورپول را ندارم. آن‌جا خوشحال نبودم. به علاوه میلان بودجه خوبی دارد.

بالوتلی تنها یک گول در این فصل به ثمر رسانده و روند بهبود خیلی کندی را سپری کرد است. او در این رابطه گفت: بالاخره حس می‌کنم سالم بهتر شده است. از لحاظ بدنی نسبت به دو یا سه هفته قبل قوی‌تر شده ام و عملکردم در زمین این مسئله را اثبات می‌کند.

والکات به دنبال جدایی از آرسنال

روزنامه سان مدعی شد که تتو والکات قصد دارد در تابستان آرسنال را ترک کرده و به تیم دیگری بپیوندد.

مهاجم انگلیسی از دقایق کم بازی که تحت هدایت ونگر به او رسیده ناراحت است و این موضوع ممکن است باعث عدم دعوت او به یورو ۲۰۱۶ شود. والکات از ۲۸ فروری تا به حال (حدود دو ماه)، فقط یک بار در ترکیب اصلی آرسنال قرار گرفته که به دیدار با سیتی بازمی‌گردد و در آن بازی هم به خاطر عملکرد ضعیف در دقیقه ۶۳ تعویض شد. گزارش‌ها حاکی از آن است که لیورپول خواهان جذب والکات است و همچنین ساوتهمپتون نیز شرایط او را تحت نظر دارد. والکات سال ۲۰۰۶ به تیم اصلی آرسنال منتقل شد و قرار بود جانشین تیری هانری در این تیم باشد ولی هیچ‌گاه نتوانست به سایه ای از بهترین گول‌زن تاریخ باشگاه تبدیل شود.

هیدینک: بازیکنان خود را برای یورو حفظ می‌کنند

گاس هیدینک، سرمربی چلسی عنوان کرد که بازیکنان تیمش خود را برای مسابقات جام ملت‌های ۲۰۱۶ حفظ می‌کنند.

مدافع عنوان قهرمانی، با کسب دو شکست پیاپی در طول دو هفته اخیر روزهای خوبی را سپری نمی‌کند. آن‌ها در حال حاضر در رده‌ی دهم قرار دارند و ضعیف‌ترین نتایج ۵۰ سال اخیر باشگاه را ثبت کرده‌اند. حال هیدینک عنوان کرد که بازیکنان تیمش خود را برای یورو ۲۰۱۶ حفظ می‌کنند.

او گفت: تا حدودی درست است ولی من نمی‌توانم بازیکنانم را متهم به کم‌کاری کنم. بعضی بازیکنان ممکن است به حفظ کردن خود برای یورو فکر کنند ولی من نمی‌توانم به ذهن و مغز آن‌ها سرک بکشم. شاید آن‌ها به یورو فکر کنند. وقتی چیزی برای به دست آوردن وجود نداشته باشد، مسلماً مشکل عدم تلاش کردن هم وجود خواهد داشت.

چلسی در دیدارهای پیش روی خود باید به مصاف لستر سیتی و تاتنهام، تیم‌های اول و دوم جدول برود.

سیمئونه:

باید ببریم و ببریم و ببریم

دیگو سیمئونه، سرمربی اتلتیکو مادرید عنوان کرد که تیمش باید "ببرد و ببرد و ببرد" تا بتواند در لالیگا به جایگاهی دست پیدا کند.

یک‌شنبه شب اتلتیکو به مصاف گرانادا رفت و با گول‌های کوکه، گریزمان و تورس، هفتمین پیروزی در هشت بازی اخیرش را کسب کرده و هم امتیاز با بارسا شده است. سیمئونه پس از بازی عنوان کرد که تیمش باید در ادامه پیروز شود تا بتواند به جایگاهی برسد.

او گفت: خوشحالیم که به هدف باشگاه یعنی کسب سهمیه لیگ قهرمانان

رسیدیم. هر چند به آن توجهی نشد ولی هنوز هم خیلی خوشحالیم. بردن بازی‌ها برای‌مان سخت خواهد بود ولی کاری که تقویم از ما می‌خواهد را انجام خواهیم داد یعنی پیروزی، پیروزی و پیروزی.

سیمئونه درباره بازی گفت: روی گول اول، تیم خوب کار نکرد. گرانادا فرصت ضد حمله داشت ولی نتوانست از آن استفاده کند. در رختکن درباره نیمه اول صحبت کردیم و در شروع دوباره در نیمه دوم، با روحیه بهتری ظاهر شدیم. فرزاندو تورس هم در نیمه دوم عملکرد بهتری داشت، مثل باقی بازیکنان تیم.

پیکه:

مطمئنم قهرمان لالیگا خواهیم شد

جرارد پیکه، مدافع بارسلونا همچنان اطمینان دارد که تیمش می‌تواند قهرمان لالیگا شود.

بارسا در هفته‌های اخیر شکست‌های متعددی کسب کرده که باعث شده رقیبان اختلاف امتیاز را با آن‌ها کاهش دهند. اتلتیکو با آبی‌اناری‌ها هم امتیاز شده و برئال به فاصله یک امتیازی آن‌ها رسیده است. با این حال پیکه معتقد است که تیمش همچنان قادر به کسب قهرمانی در لالیگا است.

او گفت: به نظرم قابلیت کسب ۵ پیروزی از ۵ بازی باقی‌مانده را داریم و باید این کار را انجام دهیم. خیلی چیزها به ذهن

شما وارد می‌شوند و فعلاً که روی دور بدچانسی هستیم کار سختی پیش رو داریم. تیم ما مثل دو یا سه هفته پیش خود است.

از لحاظ روانی وضعیت خوبی داریم و این حس نسبت به دیگر شکست‌ها فرق دارد. همه چیز در دست ماست و باید رو به جلو حرکت کنیم. اشتباهات زیادی داشتیم ولی دوست دارم مثل این‌طور مقابل والنسیا بازی کنم و ببازم تا در بازی‌های چند روز اخیرمان به پیروزی می‌رسیدیم. مطمئنم که قهرمان خواهیم شد.

بارسلونا روز چهارشنبه به مصاف دیورتیوو خواهد رفت.

پیگرینی:

مقصر جام نبردن ما گواردیولا است

مانوئل پیگرینی، سرمربی منچستر سیتی معتقد است که پپ اعلام خبر حضور گواردیولا در سیتی برای فصل آینده باعث شد تا تیم او نتواند در این فصل قهرمان لیگ شود.

باشگاه سیتی در فروری تایید کرد که فصل آینده گواردیولا روی نیمکت این تیم خواهد نشست و پس از آن بود که در عرض دو هفته، شاگردان پیگرینی در خانه مقابل رقبای اصلی خود یعنی لستر و تاتنهام شکست خوردند و عملاً از کورس قهرمانی خارج شدند. در ادامه نیز سیتی باز هم لعزش‌هایی داشت و بدین ترتیب بین آن‌ها و لستر اختلاف ایجاد شد. حال پیگرینی دلیل این افت را اعلام خبر حضور گواردیولا می‌داند.

او گفت: البته که به دلایل مختلف دیدارهای مهمی را در فروری باختیم، مقابل لستر و تاتنهام، دو بازی که به ما اجازه نداد در کورس قهرمانی باقی

مانیم. از حالا تا پایان می‌باید در عرض حدود ۱ ماه، ۸ بازی انجام دهیم. ناراحتم زیرا اصلاً انتظار نداشتم که آن دو بازی خانگی مقابل لستر و تاتنهام را با باخت پشت سر بگذاریم ولی دلایل زیادی وجود دارد که چرا چنین اتفاقاتی رخ داد.

ما فصل را به صورت طبیعی به پایان نمی‌رسانیم. از ابتدای فروری خبر تغییر مربی منتشر شد، بازیکنانی که فصل بعد این‌جا نخواهند بود و خیلی چیزهای دیگر که ذهن بازیکنان را مشغول کرد. برای بازیکنان پس از این‌که روزنامه‌ها را می‌خوانند و متوجه می‌شوند فصل بعد چه اتفاقاتی رخ خواهد داد، بازی کردن آسان نیست. حفظ تمرکز برای‌شان راحت نیست.

سیتی در حال حاضر در رده‌ی سوم جدول قرار گرفته و ۱۳ امتیاز با لستر سیتی فاصله دارد در حالیکه تنها ۵ بازی تا پایان باقی مانده است.

راکیتیچ:

والنسیا واقعاً خوش چانس بود

ایوان راکیتیچ در شب تلخ شکست بارسا از والنسیا یک گول به خودی زد و از روزهای اوج خود فاصله آشکاری داشت. بارسا امشب در نوکمپ با نتیجه ۱-۲ بازی را به والنسیا واگذار کرد تا از ۴ بازی اخیر خود تنها یک امتیاز کسب کرده باشد. حالا قهرمانی این تیم در لالیگا نیز آشکارا از سوی اتلتیکو و رئال مادرید مورد تهدید قرار گرفته است. اتلتیکو از لحاظ امتیازی با بارسلونا برابر است و رئال هم یک امتیاز کم‌تر از این تیم دارد.

راکیتیچ در انتهای بازی به خبرنگاران گفت: از این شکست بسیار غمگین

هستیم. انبوهی از موقعیت‌های گول داشتیم ولی نتوانستیم استفاده کنیم. فوتبال همین است و برخی مواقع توپ نمی‌خواهد وارد دروازه شود.

بارها تا آستانه گول‌زنی هم پیش رفتیم اما نشد. باید بگویم که امشب، شب خوش چانسی والنسیا بود. آن‌ها واقعاً خوش اقبال بودند. بله این واقعیت است؛ برخی مواقع توپ قصد وارد شدن به دروازه را ندارد. با وجود شکست باید مثبت فکر کنیم و به تلاش‌مان برای قهرمانی ادامه دهیم. همه باهم و با اتحاد قادر خواهیم بود به این مهم دست یابیم.



سه شنبه | ۳۱ حمل، ۱۳۹۵ | سال پنجم | شماره ۱۰۴۹

Tuesday | 19 April 2016 | Year 05 | Vol 1049

www.etilaatroz.com

www.facebook.com/dailyetilaatroz/

twitter.com/dailyetilaatroz

telegram.me/etilaatroz

plus.google.com/u/0/+DailyEtilaatRoz

د فیسبوک او WhatsApp لپاره ۶ نوې او ځانگړې بکسې

د ام تی ان له لورې له ۶ نویو ټولنیزو بکسو سره انټرنټ وکاروئ. اوس تاسو کولای شئ چې زمونږ له ورځنۍ، اوونیزې او میاشتینۍ فیسبوک یا WhatsApp بکسو څخه یوه بکسه د ۱۵.۳ او یا ۴۵ افغانیو په مناسبه بیه غوره کړئ. د خپل انټرنټ د کچې او د اعتبار مودې معلومولو لپاره په پیغام پاڼه کې ۷ ولیکئ او د ۳۴۴ شمېرې ته واستوئ.

بکسې	بیه	حجم	د اعتبار موده	WhatsApp بکسو د فعالولو طریقه	فیسبوک بکسو د فعالولو طریقه
ورځنۍ	۳ افغانۍ	۱۵۰ ام بی	۱ ورځ	د ۵۲۱ شمېره ۳۴۴ ته واستوئ	د ۵۱۱ شمېره ۳۴۴ ته واستوئ
اوونیزه	۱۵ افغانۍ	۱۵۰ ام بی	۷ ورځې	د ۵۲۲ شمېره ۳۴۴ ته واستوئ	د ۵۱۲ شمېره ۳۴۴ ته واستوئ
میاشتینۍ	۴۵ افغانۍ	۲۵۰ ام بی	۳۰ ورځې	د ۵۲۳ شمېره ۳۴۴ ته واستوئ	د ۵۱۳ شمېره ۳۴۴ ته واستوئ

د فیسبوک بکسې د غیر فعالولو لپاره DFB ولیکئ او د ۳۴۴ شمېرې ته یې واستوئ.
د WhatsApp بکسې د غیر فعالولو لپاره DWA ولیکئ او د ۳۴۴ شمېرې ته یې واستوئ.



په هرځای کې له تاسو سره

د لا زيات معلومات لپاره د ۱۱۹ شمېرې ته زما پوښتنې
د ښکاره کولو لپاره یې
www.mtn.com.af | MTN Afghanistan | 011555
LinkedIn | MTN Afghanistan | MTN

سریع ترین انټرنټ - نازلترین قیمت

۱ جی بی در بدل ۲۰ افغانۍ



برای اشتراک:
N1GB را به ۱۵۱ ارسال نمایید

این پیشکش شبانه از ۳۱ حمل الی ۱۳ ثور ۱۳۹۵ قابل اعتبار میباشد



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

برای لغو اشتراک: DN1GB را به ۱۵۱ ارسال نمایید.

مدت اعتبار این بسته ۲۴ ساعت بوده و از ساعت ۱۱ شب الی ۷ صبح قابل استفاده میباشد

۱۵۲